



فهرست مطالب

- ۲ تداوم اعتصاب و اعتراضات کارگران و باز نشستگان و ضرورت شکل مستقل کارگری
- ۳ نه به انتخابات فلابی!.....
- ۴ به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد انقلاب میلونی بهمن ۵۷ و نقش تعیین کننده کارگران
- ۶ ضرورت و اصول تشکیل اتحادیه مستقل کارگری.....
- ۷ به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعدام رفقا خسرو گلرخی و کرامت الله دانشیان.....
- ۸ یاد رفقا مهدی اقتدارمنش و محمد جواد عرفانیان گرامی باد
- ۹ در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۲ مشکلات کارگران یک شهرداری، پارس جنوبی هفت تپه و مهمانداران قطار.....
- ۱۶ اینهمه شتابان کجا؟.....
- ۱۷ انفجارهای خط لوله گاز بروجن و کارخانه شیمیایی در شهر قدس کار اسرائیل بود.....
- ۱۸ همبستگی با خلق فلسطین در فستیوال فیلم برلین.....
- ۱۹ باز نشستگان در کف خیابان چه می خواهند؟.....
- ۲۰ جولیان آسانژ قربانی توطئه امپریالیست‌های غربی و در راسش آمریکا
- ۲۰ پوتین برنده مصاحبه جنگ رسانه‌ای.....
- ۲۳ حمایت هیستریک از یک نئونازی
- ۲۴ یکی از دستاوردهای مهم "طوفان الاقصی"
- ۲۵ آمریکا و بازوی نظامی اش، ناتو فعالانه از کودتای مسلحانه غیر قانونی در اوکراین در ۲۰۱۴ حمایت کردند.....
- ۲۶ آمریکا برای سومین بار قطعنامه برای آتش بس را وتو کرد
- ۲۷ بیانیه «دفتر امور پناهندگان و حق بازگشت» جبهه خلق برای آزادی فلسطین.....
- ۲۸ ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده
- ۲۹ گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۳۰ پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



تداوم اعتصاب و اعتراضات کارگران و بازنشستگان و ضرورت تشکل مستقل کارگری

نگرش نئولیبرالی است که در طول بیش از سه دهه گذشته همواره ادامه داشته و فارغ از اختلافات دولت‌های مختلف در عرصه‌های سیاسی می‌توان گفت بر سر آن اتفاق نظر وجود داشته است. نهادهای حاکمیتی خارج از نظارت دولت و مجلس همچون ستاد اجرایی فرمان امام که مستقیماً زیر نظر رهبر اداره می‌شوند نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تبدیل به بخشی از این ساختار معیوب و ضد طبقه کارگر گشته‌اند. به طوری که با تملک هر چه بیشتر اموال عمومی در طول حیات خویش به مکانیزمی موثر در خلق ثروت با بهره‌کشی هر چه بیشتر از کارگران تبدیل گشته‌اند و برای فرار از پابندی به قوانین موضوعه کار با برتن کردن پوستینی شبه خصوصی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. در حقیقت باید گفت که طبقه حاکم از همه طیف‌های شریک در قدرت فارغ از رنگ و لعاب سیاسی شان و گاه‌ها شعارهایی که به ظاهر در جهت منافع کارگران سر می‌دهند در اجرای سیاست‌های اقتصادی ضد طبقه کارگر همگرا عمل کرده و ماهیتی سرمایه‌داری و ضد کارگری دارد و نمی‌توان به امتیازات موقتی که به فراخور اهداف سیاسی به کارگران می‌دهد دلخوش بود و امید تداوم آنرا داشت. در چنین پیش‌زمینه‌ای طرح مطالبات کارگران و بازنشستگان امری حیاتی و بدیهی است و البته نباید صرفاً به موضوعات مالی فروکاسته شود بلکه حق داشتن سندیکای مستقل کارگری که در قانون اساسی نیز به رسمیت شناخته شده از اساسی‌ترین حقوق کارگران بوده و می‌بایست بدون کج‌فهمی و تندروی در دستور کار قرار گیرد. چرا که ضامن هر تغییر و تحول پایدار در وضعیت درآمد کارگران و وجود تشکیلات مستقل و توده‌ای است که بتواند با اشتراک مساعی اعضا خود و در همکاری با دیگر گروه‌های هم‌عرض حرکتی مستمر و اثر بخش را رهبری نماید. تنها با داشتن چنین تشکیلاتی است که می‌توان امیدوار بود دستاورد‌های کارگران یک شبه تحت تاثیر عوامل بیرونی همچون تورم و یا مانورهای سرمایه‌داران به هوا نمی‌رود و ثمر بخش خواهد بود.*

در روزهای پایانی سال جاری و با نزدیک شدن به سال نو خورشیدی تجمعات و اعتراضات کارگران و بازنشستگان در ایران تحرک بیشتری پیدا کرده و کما بیش در سراسر کشور تبلور یافته است. بیش از سی تجمیع صندوق‌های مختلف بازنشستگی در شهرها و مراکز استان‌ها، تجمیع کارگران راه آهن ناحیه زاگرس، اعتصاب کارکنان داروسازی شهید قاضی، تجمیع کارگران پست‌های فشار قوی برق، تجمیع کارکنان پیمانی اداره آب و فاضلاب بهبهان، تجمیع کارگران بخش فروش بلیت مترو تهران، پرستاران بیمارستان امام حسین کرج، پرستاران دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کارگران فولاد اهواز، کارگران فولاد خزر و کارگران پیمانی شاغل در مخازن نفتی کوه مبارک جاسک را می‌توان بعنوان نمونه‌هایی از این دست نام برد.

گرچه می‌توان عوامل مختلفی را بعنوان علل اختصاصی شکل‌گیری هر یک از این تجمعات یا اعتصابات نام برد ولی در بررسی نهایی ادامه اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی دولت مستقر همچون گذشته علت‌العلل تمام این نابسامانی‌ها در حوزه معیشت کارگران است. پیمانی‌سازی، کاهش تعهدات بخش دولتی، عدم افزایش دستمزد کارگران و مستمری بازنشستگان متناسب با رشد تورم، دست بردن در دارایی‌های عمومی کارگران و بازنشستگان به انحاء مختلف از جمله اختلاس و هم‌ین‌طور عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایای با بهانه‌های گوناگون و در یک کلام گذاشتن بار سنگین بحران‌های ناشی از سیاست‌های اقتصادی بحران‌ساز سرمایه‌داری بر دوش کارگران و زحمتکش‌ان همه و همه معلول

تحریم سیرک انتخابات



نه به انتخابات قلابی!

انتخابات «ششمین دوره مجلس خبرگان» و «دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی» یازدهم اسفندماه، برگزار می‌شود. از همان بدو تاسیس جمهوری جهل و جنایت اسلامی این خیمه شب بازی ویی احترامی به رای و اندیشه مردم وجود داشته و ادامه می‌یابد. تکرار این ریاکاری حکومت مستبد حاکم به صورت مضحکه در آمده و موجبات تمسخر مردم است. برخی از نیروها و محافل بظواهر اپوزیسیون در داخل و خارج ایران از مردم دعوت می‌کنند که در این خیمه شب بازی مسخره، میان بدتر و بدترین یکی را برگزینند تا اوضاع بیش از این خرابتر نشود! این دورباطل انتخاب میان بد و بدتر (بخوانید بدتر و بدترین!) هیچوقت با چنین نظم استبدادی و ضد دموکراتیکی پایان نخواهد یافت، ما همواره با جناح‌های گوناگون حاکمیت روبرو هستیم که تضادها در میانشان به علت مخالفت مردم با این جناح‌ها و همچنین به علت افزایش انفرادشان در بین مردم روز بروز افزایش بیشتری می‌یابد. تا موقعیکه اپوزیسیون واقعا مستقل و انقلابی ایران نتواند به عنوان نیرویی متشکل و قابل محاسبه در مقابل این حضرات قرار گیرد و خود را به عنوان آلترناتیو مطرح کند، وضعیت به صورت کنونی باقی می‌ماند. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از ضعف اپوزیسیون انقلابی و غیرخود فروخته ایران استفاده می‌کند و همچنان برخوردار سوار است.

هدف از این بازی چیست؟

حفظ قدرت سیاسی و مشروعیت بخشیدن به نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی
ادامه سیاست سرکوب کارگران و زحمتکشان
ادامه سیاست نئولیبرالی و کالایی کردن آموزش و بهداشت

ادامه ژرفش فقر و اختلاف طبقاتی
ادامه سیاست تبعیض و اعمال فشار بر زنان
ادامه سیاست آزاد گذاشتن هواداران نئولیبرالیسم در رسانه‌ها و محیط‌های آموزشی
طبیعتا هواداران رژیم جمهوری اسلامی برای چنین هدفی و چنین انتخابات قلابی و گزینشی تبلیغ می‌کنند. در این بازی انتخاباتی زحمتکشان و مخالفان نظام نئولیبرالی حق اعلام نامزدی ندارند. لذا همانند دوره‌های گذشته تحریم انتخابات گزینشی و استصوابی و غیر دموکراتیک حق مسلم مردم ماست و تناقضی با احترام به انقلاب تاریخی ملت ایران در سال ۱۳۵۷ ندارد بلکه باید حاصل آن باشد و جز این نیست. بی تردید اکثریت مردم ایران خواهان آزادی احزاب و سازمان‌های سیاسی، آزادی بیان و عقیده، خواهان تساوی حقوق زن و مرد، رفع سانسور، آزادی فعالیت همه اتحادیه‌های کارگری و سازمانی صنفی و دموکراتیک و جدائی دین از دولت هستند. این خواست‌های منطقی و مورد تأیید مردم، این خواست‌های منطقی و ضد تصمیمات استبدادی فردی ولی فقیه، که زمینه گسترده مادی در جامعه ایران دارد، رژیم جمهوری اسلامی ولایتی را در تنگنا قرار می‌دهد. خواست برسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های دموکراتیک به منزله پیش شرط هر انتخابات آزاد و دموکراتیک است و رژیم مستبد جمهوری اسلامی هرگز به آن تن نمی‌دهد و نخواهد داد. تن دادن به یک انتخابات آزاد، مرگ فقه‌های حاکم است. لذا فراخواندن مردم به شرکت در مضحکه انتخابات، دادن آموزش غلط به آنها و تأیید وضعیت سردرگمی و چرخ زدن میان جناح‌های مرتجع هیات حاکمه است. در شرایط کنونی راهی جز تحریم نمایش انتخابات قلابی برای مردم و اپوزیسیون انقلابی باقی نمانده است. شرکت در چنین نمایشی رای به ادامه وضع موجود است. و جز این نیست. *

اعتصاب بزرگ کلانگن صنعت نفت ایران در پی اعتصاب پالایشگاه آبادان

نفت آتش انقلاب را شعله‌ور کرد



میهن ما به قدرت‌های امپریالیستی بویژه امپریالیسم امریکا در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران به حیاط خلوت و منطقه نفوذ آمریکا و حافظ منافع آنها محسوب می شد. ایران به یک کشور نیمه مستعمره تبدیل شد و استعمار جمعی نتیجه مترتب بر کوتادی سیاه و سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق بود.

دوم رژیم شاه بر اساس دکترین نیکسون، نقش ژاندارم منطقه را ایفا می کرد و منافع امریکا در منطقه را تامین می نمود و بر این اساس در اواسط دهه ۱۳۵۰ ایران به بزرگ ترین خریدار تسلیحات آمریکایی تبدیل شد. از سال ۱۹۵۰ تا زمان سقوط شاه ارزش قراردادهای خرید تجهیزات و خدمات نظامی ایران از آمریکا به حدود ۵۰ میلیارد دلار رسید

سوم تصویب و اجرای طرح کاپیتالیسم، مصونیت قضایی اتباع امریکایی در ایران، ورود هزاران متخصص نظامی آمریکایی و سلطه آنها بر ارتش، مداخله شاه در عمان و گسیل هزاران نیروی نظامی در ظفار برای سرکوب انقلابیون و آزادیخواهان ضد استعمار و ارسال تجهیزات نظامی از سوی شاه به مراکش، اردن و... برنامه هایی بود که به دستور امپریالیسم آمریکا و در راستای منافع بین المللی این کشور تحقق یافت. امروز سلطنت طلبان در پاسخ به این پرسش که چرا شاه در ظفار اینهمه نیرو فرستاد تا نیروهای استقلال طلب و چپ و سکولار را سرکوب کند، پاسخی ندارند، جز فحاشی و دریدگی!

چهارم شاه فاقد اراده و استقلال بود. بطور کلی سر سپرده آمریکا بود و در خدمت منافع امپریالیست‌ها عمل می کرد. مناسبات دولت شاه و دولت آمریکا فراتر از رابطه دو دولت در عرصه دیپلماتیک بود. شاه مدیون امپریالیسم آمریکا بود و بقاء خود را به این ابر قدرت گره زده بود. شاه هیچگاه تصور نمی کرد که با وجود چنین حمایتی از غرب و در راسش آمریکا، توده ها به پا خیزند و او و رژیمش را درهم کوبند.

پنجم تشدید و ژرفش بی عدالتی و تبعیض و سرکوب سیاسی

به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد انقلاب ملیونی بهمن ۵۷ نقش تعیین کننده کارگران صنعت نفت در سرنگونی رژیم پهلوی و درس‌های آن

در چهل و پنجمین سالگرد انقلاب ملیونی مردم ایران بر علیه سلطه دیکتاتوری رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا، فقر و شکاف طبقاتی و سرکوب های سیاسی و برای استقرار جمهوری ورفاه و آزادی قرار داریم. این انقلاب برای چه بود؟ هر چه بود از سرسیری شکم نبود، آنطور که ضد انقلاب مغلوب تبلیغ می کنند. چنین تبلیغاتی از «روشنفکرانی بر می خیزد که به تمام آرمان‌های پیشین خود پشت پا زدند و امروزه مجیزگویی رسانه های امپریالیستی مشغولند. سرنگونی رژیم شاهنشاهی در چنین روزی، ۲۲ بهمن، روز جشن محرومان جامعه و عزای بقایای خاندان پهلوی و مزدوران اجانب بوده و خواهد بود.

در چهل و پنجمین سالگرد انقلاب بهمن باردیگر به علل بروز این انقلاب مردمی و «دروازه تمدن رژیم شاه» و راه خروج از اوضاع بحرانی کنونی می پردازیم. بیان وضعیت مصیبت بار کنونی به هیچوجه مشروعیتی برای حواریون نظم پوسیده سلطنتی که دل درگرو امپریالیسم و مداخلات خارجی و تشدید تحریم های اقتصادی دارند نخواهد داشت. بطور مختصر:

یکم با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ شاه با وابسته نمودن کامل

اکنون کارگران پس از ۴۵ سال انقلاب در شرایط سختی بسر می برند. غاصبان انقلاب همچنان می گویند «انقلاب برای نان و خربزه نبود، برای اسلام عزیز بود» انقلاب بهمن می آموزد برای اینکه تلاش و فداکاری کارگران به یغما نرود نیاز به تشکیلات و درعالی ترین شکل آن حزب واحد طبقه کارگراست. بدون رهبری چنین حزبی امکان رهایی از استثمار و فلاکت نیست.

اعتراضات سال گذشته که مورد دستبرد قدرت های امپریالیستی قرار گرفت و به شکست انجامید نشان داد که همه جنبش های فاقد رهبری انقلابی به شکست می انجامند. برای پیروزی در مبارزه طبقاتی و در انقلاب اجتماعی به نیروی رهبری کننده و عامل آگاه سیاسی و یا شرایط ذهنی نیاز است. جنبش مردم برای اینکه پیروز شود، باید ستاد فرماندهی در این نبرد داشته باشد. در نبردی که میان طبقات فرودست و حاکمان درمی گیرد، مردم نیز می بایستی در این جنگ سرداران و رهبران عملی و نظری خود را داشته باشند. توده بی رهبر و یا رهبران بی سپاه هرگز قادر به پیروزی نیستند. آنها که به نفی رهبری سیاسی و فرماندهی واحد می پردازند و مروج آنارشیسم، آشوب و لیبرالیسم هستند، دشمنان مردم اند و جنبش را به شکست می کشانند. خیزش «مهسا»، صرف نظر از هسته عادلانه ای که در آغاز داشت، یک حرکت خودجوش و بی دورنما بوده، مسکن احساسات و فاقد چشم انداز است و به راحتی آلت دست جریان های ضدانقلابی سلطنت طلب و فرقه تروریست و خرابکار رجوی و تجزیه طلبان قومی نیز قرار گرفت. برای دشمنان ایران کسب حقوق مطالباتی زنان مطرح نیست، جان مردم ایران ارزشی ندارد، سوء استفاده و افزایش اعداد قربانیان در رسانه های امپریالیستی صهیونیستی لندنی و شورش کور و فاقد برنامه و بی هدف فقط می تواند به بن بست برسد و به یأس بدل شود و نمی تواند مورد ترغیب و تشویق نیروهای آگاه سیاسی و با مسئولیت باشد.

بزرگ ترین درس اعتراضات چند سال اخیر، همانند جنبش های خردادماه ۸۸، دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ این است که برای غلبه نهایی بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و درهم شکستن ماشین سرکوب آن و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی، به حزب انقلابی واحد طبقه کارگر نیاز است. توده مردم و در رأس آن طبقه کارگر بدون حزب نیرومندش گوشت دم توپ بورژوازی است. طبقه کارگر بدون سازماندهی و رهبری حزبی ماهیتاً کمونیستی قادر به آزادی خویش و سایر ستمدیدگان نیست و نخواهد بود. تنها با رهبری صحیح است که شعارها و مطالبات جنبش با توجه به توان و درجه آمادگی جامعه و ارزیابی تناسب قوای طبقاتی امکان پیروزی، جلب اکثریت و تحقق دارند. توسل به مطالبات غیر قابل تحقق در شرایط نامناسب فقط ضدانقلاب و دشمنان خارجی ایران را تقویت می کند که خواهان تحریم و تجزیه و پاره پاره کردن ایران هستند. باید صف دوستان و دشمنان مردم را از هم تمیز داد و در مورد مداخلات ضدبشری قدرت های امپریالیستی و ویرانی ممالکی نظیر عراق، لیبی، سوریه، افغانستان و یمن... روشنگری کرد و مردم ایران را از تکرار چنین سناریوهای فاجعه باری، که در قالب «حقوق بشر و دمکراسی» صورت می گیرد، آگاه و بر علیه اینگونه تبلیغات استعماری و مسموم مبارزه نمود. راه دیگری متصور نیست!*

در جامعه و شکاف طبقاتی و ضربه به اقتصاد کشور و تخریب و نابودی کشاورزی و ورود بی رویه کالاهای مصرفی و تشویق دهقانان به مهاجرت از روستاها به شهرها و تک محصولی شدن اقتصاد میهن و اتکاء به فروش نفت و وابستگی شدید اقتصادی به آمریکا نیز از جمله سیاست های نواستعماری بود که به کشور ما تحمیل شد. اصلاحات ارضی امپریالیستی، آب کردن کالاهای مصرفی در بازار ایران و نابودی کشاورزی نمی تواند مایه افتخار یک ایرانی میهن دوست باشد.

ششم شعار «توسعه اقتصادی و فرهنگی» و دروازه تمدن شاه و جشن های دوهزار و پانصد ساله شیراز، توخالی و ارتجاعی بود. هزینه کردن ۹۵۰ میلیون دلار برای برگزاری چنین جشن مبتدلی بیانگر ورشکستگی رژیمی است که در کشورش بنا بر آخرین آمار دردیماه ۱۳۵۷، یکماه قبل از انقلاب بهمن ۶۰ درصد مردم در روستاها زندگی می کردند و «اسدالله علم» وزیر دربار شاه در خاطرات خود در جلد ۴، ص ۶۵ در مورد وضعیت امکانات بهداشتی و رفاهی در روستاهای ایران چنین می گوید:

«جلسه هیئت امانت خانه های فرهنگ روستایی بود. وقتی جویا شدم که در دهات چقدر برق و آب آشامیدنی داریم، معلوم شد ۱٪ ایران آب آشامیدنی تمیز و ۴٪ دهات ایران برق دارند» ۹۷ درصد زنان روستایی بیسواد بودند. در کل جامعه ایران ۶۰ درصد بیسواد بودند و از فقدان آموزش و تحصیل و بهداشت و مسکن در رنج بودند. ۴۵ درصد مردم زیر خط فقر بودند. این در حالی است که در آن زمان در اواخر حکومت شاه حدود ۶ میلیون بشکه نفت تولید و به فروش می رسید! ایران در همان سال ها یکی از بزرگ ترین واردکننده سلاح و کالاهای بئجل مصرفی از آمریکا بود. رژیمی که با ادعای «دروازه تمدن» اما کتاب خواندن را ممنوع کرده بود و کتابخوان را به زندان پرتاب می کرد، نتیجه ای جز این نمی داشت که نیروهای اهریمنی قرون وسطایی از قعر تاریخ سر بر آورند و از این آب گل آلود ماهی بگیرند و خود را بر مردم تحمیل کنند. دیدن عکس امام در ماه محصول همان فقر فرهنگی عظیمی بود که رژیم پهلوی آفرید.

نقش تعیین کننده کارگران نفت در انقلاب

از زمان اوج گیری اعتصابات در مهر و آبان ۱۳۵۷ دامنه و شدت اعتصابات کارگری به حدی گسترده گردید که به مدت تقریباً چهار ماه کاملاً صنعت نفت ایران به تعطیلی کشیده شده بود. در تاریخ معاصر ایران از کارگران صنعت نفت به عنوان یکی از ستون های انقلاب و سرنگونی حکومت شاه یاد می شود. نقشی که مبارزات شجاعانه کارگران و کارمندان صنعت نفت و گاز ایران در جریان انقلاب ایفا کرد، به اندازه ای تعیین کننده و برای سایر اقشار و مردم ایران الهام بخش بود که در ماه های پایانی منتهی به انقلاب شعار «کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما» به یکی از شعارهای مهم انقلابی تبدیل شد که طومار ۲۵۰۰ سال سلطنت را برای همیشه درهم پیچید. کارگران صنعت نفت ایران همواره موتور محرک و پیشران جامعه و اقتصاد ایران بوده، کارگران متخصصی که از یکسو همواره بخش بسیار بزرگی از ثروت تولید شده در کشور به دستان توانمند آنان رقم خورد و از سوی دیگر در مبارزه با استعمار و دیکتاتوری و سلطنت پرچمدار جامعه خود بودند. نقش کارگران نفت در پیروزی نهایی انقلاب تعیین کننده بود.



ضرورت و اصول تشکیل اتحادیه مستقل کارگری

امروز در ایران بواسطه سرکوب واختناق وانحرافات عدیده سیاسی در محافل کارگری اتحادیه‌های مستقل واقعی کارگری وتوده ای پانگرفته است و این ضعف طبقه کارگراست. از این رو نخستین عرصه مبارزه امیدبخش برای طبقه کارگر پیکار برای ایجاد چنین تشکلی است. ذاتا، اتحادیه کارگری سازمانی است که در آن کارگران به عنوان یک طبقه بر اساس اتحاد وهمبستگی متحد می‌شوند تا در شرایط مشخص مبارزه طبقاتی به ایجاد یک وزنه در برابر طبقات مالک وسایل تولید اقدام ورزد و موفق به کسب مطالبات خویش شوند. بر این اساس، طبقه کارگر نه تنها از خود در برابر حملات مداوم سرمایه‌داران دفاع می‌کند، بلکه حملات مستقیمی را نیز علیه طبقه سرمایه‌دار انجام می‌دهد و برای تحقق حقوق عمومی و بهبود ابتدایی‌ترین شرایط کار و معیشت مانند دستمزد، ساعات کار، قرارداد مستمر و دائمی، ایمنی کار، مرخصی، لغو قراردادهای پیمانی موقت و مبارزه برای کسب حقوق عمومی خویش تلاش می‌کند. اتحادیه‌های کارگری برخاسته از نیازهای عینی طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی هستند که پایه‌ای‌ترین سطح سازماندهی کارگری با تکیه به نیرو و درک خود را نمایندگی می‌کنند.

اتحادیه‌های کارگری دارای سابقه به مراتب طولانی‌تری از مبارزه حزبی طبقه کارگر می‌باشند، زیرا کسب روزمره آگاهی اقتصادی به مراتب سهل‌تر از آگاهی سیاسی در طیف طبقه کارگر است، زیرا مدت‌ها وقت لازم بود و هست تا طبقه کارگر نه تنها به مبارزه مستقل اقتصادی خود دست زند، بلکه از نظر سیاسی به نقش خود به عنوان چرخ پنجم سیاست بورژوازی پایان داده به عنوان تشکیلات مستقل سیاسی کارگری که دارای اهداف سیاسی و طبقاتی است به میدان آید. به این جهت از همان بدو پیدایش اتحادیه‌های کارگری این تفاوت دیالکتیکی در دو عرصه مبارزه طبقه کارگر مشهود بود و نمی‌شد آنها را در یک دیگ ریخت و هم زد و تمایز و سطوح متفاوت فعالیت آن را مخدوش نمود.

چرا کار در اتحادیه‌ها ضروری است؟

کارتوده‌ای یکی از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت یک انقلابی است. زیرا این مبارزه عملی سنگ محکی است برای اینکه دانسته شود

چقدر جهان‌بینی و عمل‌کرد سیاسی فرد آگاه، به واقعیت عینی زندگی طبقه کارگر نزدیک است. این شرکت در مبارزه واقعی طبقه کارگر، فرد آگاه و کمونیست را از ذهنی‌گری و انقلابی‌نمائی کاذب دور می‌کند و وی را بر روی زمین واقعیت باقی خواهد گذارد. کار توده‌ای همچنین پایه و اساس لازم برای هر تحول انقلابی را تشکیل می‌دهد. بدون حمایت بی‌قید و شرط بخش بزرگی از مردم و بدون همدردی - یا حداقل بی‌طرفی خیرخواهانه - بقیه توده‌ها، هیچ شورش انقلابی نمی‌تواند به یک دولت پایدار که بعدا نیز بتواند دوام آورد تبدیل شود. انقلابیون برای به دست آوردن این حمایت و همدردی از سوی عموم مردم - به ویژه طبقه کارگر - باید جهان‌بینی خود را به طور فعال به توده‌های کارگر منتقل کنند و اعتبار آن جهان‌بینی را در زندگی روزمره توده‌های کارگر نشان دهند. انقلابیون باید درجایی که توده‌ها هستند - اما بالاتر از همه جایی که طبقه کارگر است، کار کنند. هرکسی که می‌خواهد در میان توده‌ها طبقه کارگر کار کند، نباید از کار در اتحادیه دوری کند. ضروری بودن اتحادیه‌های کارگری برای مبارزه انقلابی، حتی بیش‌تر به موقعیت واقعی آنها در طبقه کارگر مشروط است تا در خود جوهر پرولتاریایی آنها. ولی شنا کردن مانند ماهی در دریا به مفهوم این نیست که اتحادیه کارگری همان حزب طبقه کارگر است و باید وظایف حزبی را به عهده گیرد. مبارزه در اتحادیه کارگری برای تحقق حقوق کارگران در مقابل سرمایه‌داران، دادن تجربه و آگاهی به آنها، بالا بردن سطح دانش و آگاهی طبقاتی آنها در عمل، تقویت اعتماد به خود، اعتقاد به نیروی صنفی و قدرت آن، تقویت درک دموکراتیک و ایجاد زمینه مادی اجتماعی تحول در مجموعه جامعه است.

لنین می‌گفت: «کار نکردن در اتحادیه‌های کارگری ارتجاعی به معنای سپردن توده‌های توسعه‌نیافته یا عقب‌مانده کارگران به نفوذ رهبران ارتجاعی، عوامل بورژوازی، اشرافیت کارگری یا کارگران بورژوا است.» (لنین - رادیکالیسم چپ - ۱۹۲۰).

در مورد اهمیت اتحادیه‌های مستقل کارگری ونقش اجتماعی آنها می‌شود صفحات فراوانی را سیاه کرد ولی این سخنان که تجربه روشن کلیه مبارزات کارگری در سراسر جهان است الزاما با واقعیت مشخص موجود در جامعه ما همخوانی ندارد. در ایران طبقه کارگر از حق دارا بودن اتحادیه مستقل کارگری محروم است و این است که در درجه نخست باید برای به رسمیت شناساندن این حق طبیعی خود، که زمینه اجتماعی دارد و حتما مورد تأیید اکثریت قریب به اتفاق طبقه کارگر قرار خواهد گرفت، مبارزه کند. وقتی طبقه کارگر در عرصه مبارزه صنفی به تقویت ظرفیت‌های لازم دست پیدا کرد آنوقت کارگران از امکانات آموزشی، دانشگاهی کارگری، صندوق دائمی اعتصاب، حمایت حقوقی و کلای برجسته کارگری، فعالیت مطبوعاتی، حمایت روشنفکران، دانشگاهیان، فرهیختگان و بسیاری مسایل دیگر برخوردار می‌گردند. برای دستیابی به حقوق کارگری فوق‌الذکر در ایران باید مبارزه کرد.

سنگ نخستی که در پیش پای مبارزات کارگری ایران وجود دارد نبود اتحادیه کارگری است که وظیفه‌اش در درجه اول تلاش برای بهبود وضعیت زندگی کارگران و در یک کلام بهبود شرایط استعمار است و نه نابودی استعمار. عده‌ای خرده‌بورژوازی ذهنی‌گرا وجود دارند که به نیروی طبقه کارگر و توده‌ها اعتقادی ندارند



خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت الله دانشیان در ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ در میدان چیتگر تهران بدست مأموران حکومت شاه به جرم اقدام علیه امنیت کشور تیرباران شدند

به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعدام رفقا خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت الله

دانشیان

خون ما پیرهن کارگران
خون ما پیرهن دهقانان
خون ما پیرهن سربازان
خون ما پرچم خاک ماست

۲۹ بهمن ماه پنجاهمین سالگرد اعدام رفقا خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت الله دانشیان است در چنین روزی، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۲ دو تن از فرزندان دلیر خلق خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت اله دانشیان بدست دژخیمان رژیم خونخوار پهلوی به جوخه اعدام سپرده شدند. آنها پس از دفاعی دلیرانه و جسورانه از عقاید خود و پافشاری بر آن در بیدادگاه محمد رضا شاهی به اعدام محکوم شدند. آنها هیچ گناهی جز دفاع از کارگران و زحمتکشان و مردم محروم ایران نداشتند، اما با دسیسه ای از طرف شکنجه گر ساواک پرویز ثابتی با نقشه ای از قبل تهیه شده این گروه چند نفره را باخیانت شخصی بنام امیرحسین فطانت کسی که بعد از انقلاب به کسور کلمبیا فرار کرد و چندی پیش نیز در همانجا به درک واصل شد، به دام انداخت. سناریو ساواک مبنی بر این بود که این گروه به رهبری خسرو گل‌سرخ‌ی قصد ربودن فرح پهلوی و پسرش نیم پهلوی را داشته اند. این سناریو دروغین را هیچکدام از اعضا گروه به عهده نگرفتند اما پرویز ثابتی فراری به دامان ارباب و دادگاه فرمایشی شاه که میخواستند قدر قدرتی ساواک را نشان دهند باعجله تمام حکم اعدام خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت اله دانشیان را صادر کردند و سحرگاه ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ علیرغم اعتراضات جهانی به خصوص کنفدراسیون (محصیلین و دانشجویان ایرانی) (اتحادیه ملی)، (CISNU) اعدام شدند. کارزار کنفدراسیون آنچنان وسیع بود که در تمام شهرهای بزرگ کشورهای مختلف جهان دانشجویان دست به اعتصاب غذای نامحدود زدند. یکی از وسیع ترین این اعتصاب غذاها در مرکز آلمان غربی در شهر ماینس بود که بیش از ۲۵۰ نفر شرکت داشتند. در روز پانزدهم این کارزار به ناگهان خبر رسید که **اعدامشان کردند**. خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت اله دانشیان اعدام شدند و با ریختن خون آنها و دیگر شهدای راه آزادی نهال انقلاب بهمن ۵۷ آبیاری و ننگ و نفرت بر خاندان پهلوی جاودانه شد.*

<https://t.me/totoufan>

و فکر می‌کنند هر چه شعارهای چرب‌تر و افراطی‌تر طرح کنند، انقلابی‌ترند؟! آنها هواداران تئوری «انقلاب یک‌روزه» هستند و این بی‌اعتمادی به توده مردم و این عدم درک و فهم خود را که مبارزه مردم در روندی طولانی باید رشد و قوام بیابد تا نه تنها در عرصه اقتصادی بلکه در عرصه سیاسی نیز منجر به جذب کارگران در حزب مستقل خودشان شود، به فضیلت بدل کرده و مرتب در بین طبقه کارگر به تبلیغات گمراه‌کننده مشغولند و می‌خواهند هر اعتصاب موجه و عادلانه‌ای را به «انقلاب اجتماعی» بدل کنند. این نابخردان چپ‌نما نمی‌فهمند که سرانجام هراعتصابی سازش با کارفرماست و نه استقرار دیکتاتوری پرولتاریا.

جریان‌هایی که در جنبش کارگری به خرابکاری مشغولند و وحدت و یک‌پارچگی آنها را برهم می‌زنند قادر نیستند بفهمند که مبارزه اجتماعی سطوح گوناگون فعالیت را داراست و بر اساس شناخت این واقعیات باید مردم را در تشکل‌های گوناگون متشکل کرد و منافع قشر و طبقه آنها را مد نظر قرار داد. مبارزه طبقه کارگر در اتحادیه‌های کارگری مبارزه در عرصه اقتصادی است. طبیعتاً کارگران نیز از عمومی‌ترین خواست‌ها و مطالبات مردمی دفاع می‌کنند، زیرا مطالبات خاص آنها نیز جدا از مطالبات عمومی مردم نخواهد بود. ولی همین نوع حمایت نیز ماهیت اتحادیه کارگری را به حزب سیاسی تغییر نمی‌دهد. مبارزه طبقه کارگر بر ضد تحریم‌های ضدبشری ایران یک مبارزه دموکراتیک عمومی است که مغایر مطالبات صنفی طبقه کارگر نیست در حالی که مصادره کارخانه و اداره آن که شکستش از همان آغاز کار روش است و یا این که به جای خواست تاسیس سندیکای مستقل صنفی کارگری گروه‌های افراطی شورائی برای کسب قدرت سیاسی برگزینیم خواست‌های انحرافی و مخرب هستند که فقط به تشکل طبقه کارگر صدمه زده و حتی مورد تأیید عوامل رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی که در پی برهم زدن صف واحد طبقه کارگر هستند، می‌باشند.

نکته مهم دیگر اینکه اتحادیه مستقل کارگری در ایران را نمی‌شود بر اساس تعلقات قومی و مذهبی شکل داد. ناسیونالیست‌های قومی در ایران خواهان آن هستند که اتحادیه‌های کارگری بر اساس قومیت به وجود آیند که هدفشان در عمل از بین بردن وحدت عمل کارگران و ایجاد تفرقه در میان آنها است. طبیعتاً این خواست‌ها اگر مشکوک نباشند عمیقاً ارتجاعی و ضدکارگری‌اند و باید با آنها همانگونه که با خواست‌های «چپ» روانه‌ای نظیر ایجاد شوراهای کارگری که به مد روز تبدیل شده است و به جای اتحادیه‌های کارگری مطرح می‌شود مبارزه کرد. کارگران ایران باید برای تاسیس اتحادیه یک‌پارچه و متحد صنفی مستقل کارگری مبارزه کنند که از مقبولیت عمومی برخوردار است. باید از این خواست طبقاتی و دموکراتیک که در خدمت دموکراتیزه کردن فضای سیاسی ایران است حمایت نمود و به تقویت آن کمرهمت بست. همانطور که در فوق اشاره رفت در شرایط کنونی اتحادیه مستقل کارگری مناسب ترین ظرف تشکیلاتی برای تحقق مطالبات صنفی کارگران است. بدون چنین تشکیلاتی در محل کار و آنهم بطور سراسری امکان تحقق مطالبات صنفی ضعیف است.*



یاد رفقا مهدی اقتدارمنش و محمد جواد عرفانیان گرامی باد

در چنین روزی این دو رفیق
حزبی در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در
راه پیروزی انقلاب جان باختند

موجیم که آسودگی ما عدم ماست
ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم فاسد و جنایتکار پهلوی
به آسانی کسب نشد. توده‌های ستمدیده آزادی خویش را

در قبال خون خویش خریدند، خون هزاران جوانان جانباخته
گواه بر همین امر است. و از این جمله‌اند دو رفیق محمد جواد
عرفانیان و مهدی اقتدارمنش که قهرمانانه در راه کسب آزادی
و استقلال جنگیدند و نه برای اسلام و با افتخار در راه آزادی
طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از زنجیرهای استثمار خون
خویش داده و جان باختند.

رفقا مهدی و جواد دو عضو رزمنده و از جان گذشته حزب کار
ایران (توفان)، کارگر کارخانه جنرال صنعتی بودند و هنگام
تصرف پادگان نیروی هوایی شاهنشاهی نزدیک مهرآباد در
روز ۲۱ بهمن ۵۷ زیر آتش مسلسل رژیم جنایتکار پهلوی جان
باختند. شجاعت این رفقا در تسخیر این پادگان که در پیشاپیش
مردم ایران حرکت می‌کردند تحسین برانگیز و مایه افتخار
حزب ما و مردم ایران است.*

هفته‌نامه توفان، بهمن ماه ۵۹ به مناسبت دومین سالگرد انقلاب*

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری
اسلامی به دست مردم



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در بهمن ماه ۱۴۰۲

کرد: «ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. ... آب و برق را مجانی می‌کنیم ... اتوبوس را مجانی می‌کنیم ... دلخوش به این مقدار نباشید ... شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم.» و اکنون خامنه‌ای برای ساکت کردن معترضین به خصوصی‌سازی و سیاست‌های برده‌سازی نئولیبرالی می‌گوید: «اشتباه این بود که بخش خصوصی را کنار زدند ... خطای بزرگی بود که انجام دادیم ما.» و مهر تاییدی دیگر بر «سپردن جان و مال مردم برای فقیر سازی» بدست سرمایه‌داران بی‌وجدان، زد. امروزه کارگران شاغل و بازنشسته را به بسیاری از بیمارستان‌ها، و فرزندان‌شان را به بسیاری از مدرسه‌ها راهی نیست، امکان استفاده از بسیاری از امکانات رفاهی از اکثریت مردم ربوده شده است و کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته به دره عظیم فقر پرتاب گشته‌اند و زحمتکشان شهر و روستا بدون داشتن تشکلات مستقل خود، از حال و آینده روشن و انسانی فاصله‌ای بسیار گرفته‌اند. با دستور مستقیم خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و سران سه قوه و دستگاه‌های وابسته نظام مقدس! سرمایه‌داری اسلامی، باقی مانده اموال عمومی «منقول و غیر منقول زیر و روی زمین» نیز در معرض فروش، توسط چوب حراج نئولیبرال‌ها قرار گرفته است تا نظام برده‌داری نوین و اسلامی را برقرار کنند. حتی دیگر به نمایش شورایعالی کار نیز نیازی نمی‌بینند و تعیین حداقل دستمزد را نیز با طرح موضوعات «مزد منطقه‌ای» و امثالهم، آرام آرام

در بهمن ماه ۴۵ سال پیش یکی از پر شکوه‌ترین انقلابات تاریخ بشر به‌همت کارگران صنعت نفت و دیگر کارگران و زحمتکشان ایران با شور و امید و آرزوی فراوان به پیروزی رسید. در ابتدای پیروزی انقلاب بهمن، آنچنان جو پر نشاطی آفریده شده بود که سخن مولانا مصداق آن روزها بود که می‌گوید: «برچه ز خواب و بنگر صبحی دگر دمیده / جویان و پای کویان از آسمان رسیده / ای جان چرا نشستی وقت می‌است و مستی / آخر در این کشاکش کس نیست پاکشیده». و امروز بعد از ۴۵ سال پر فراز و نشیب، کارگران ایران نه تنها به اهداف مطروحه در انقلاب نرسیده‌اند، بلکه بسیاری از دستاوردهای مبارزاتی خود در قبل از انقلاب را نیز به‌یمن سیاست‌های نئولیبرالی ایران برباد ده «مصادره کنندگان انقلاب»، از دست داده‌اند و برای بدست آوردن حداقل‌های زندگی انسانی، با چنگ و دندان در حال مبارزه با ضدانقلاب غالب و مغلوب بهمن ۵۷ و امپریالیست‌ها و مزدوران‌شان می‌باشند. آیت‌الله خمینی وقتی در پاریس بود برای ربودن جواهر گرانبهای انقلاب از دست توانای مردم رزمنده و سوار شدن بر موج توفنده انقلاب، عنوان

قرارداد مستقیم با تمام کارگران نیست.

۲۶ بهمن

کارگران مخازن نفتی کوه مبارک جاسک برای سومین روز متوالی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و دستمزد خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. کارگران اعتصابی درب ورودی پروژه را بسته و اجازه خروج هیچ کامیونی را از پروژه ندادند. کارگران دستمزد های خود را از آذر ماه تا کنون دریافت نکرده‌اند و بیمه‌های آنان نیز به سازمان تامین اجتماعی واریز نشده است.

۲۸ بهمن

جمعی از کارگران ارکان ثالث برای دومین بار در این ماه، از سراسر کشور به تهران آمدند و مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران ارکان ثالث، «اصلاح طرح طبقه‌بندی، برخورداری از پاداش و پرداخت‌های مناسبتی و بهره‌مندی از نفت کارت و وام قرض‌الحسنه» را از دیگر مطالبات خود عنوان کردند.

کارگران فولاد

۹ بهمن

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در هفتمین روز اعتصاب، تجمع و راهپیمایی، با قدرت و اتحاد راهپیمایی پرشکوه اعتراضی از محل شرکت تا میدان بقایی را برگزار کردند و خواستار رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند. شب گذشته مدیریت شرکت در اطلاعیه‌ای پر ابهام و با انتشار چند فیش حقوقی که به صورت نمونه تهیه شده‌اند، از تصویب طرح طبقه‌بندی مشاغل خبر داد و گفته است از ابتدای دی ماه این طرح اجرایی و محاسبه شده است. بنا بر تصمیم کارگران، تا برطرف شدن ابهامات در خصوص چگونگی محاسبات صورت گرفته و نیز اجرای این طرح برای همکاران شرکت شفق، اعتصاب با تجمع مقابل درهای ورودی شرکت ادامه خواهد یافت. «ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، می‌جنگیم می‌جنگیم!»

۱۰ بهمن

پرسنل شفق در گروه ملی صنعتی اهواز در اعتراض به عدم وجود امنیت شغلی آنها اعتصاب کرده و دست به تجمع زدند و خواستار تبدیل به کارگر قراردادی شدند که با برخورد تیم حراست با پشتوانه نهادهای امنیتی مواجه شدند. کارگران شفق می‌گویند: وقتی کسی ما را نمی‌بیند. هیچ کس ما را یاری نمی‌کند و ترس ما را فرا گرفته است، حجت بر ما تمام شد چون هیچ پشتوانه‌ای نداریم. مدیر حراست آقای پاژنگی در کمال بی‌شرمی و وقاحت بین شفقی‌ها اعلام کرد: «همتون رو مثل آب خوردن اخراج می‌کنیم می‌ریم از سر فلکه کارگر می‌اریم!» سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از کارگران شفق اعلام داشت. در این اطلاعیه در مزیت داشتن تشکیلات آمده است: «همه کارگران آگاه فولاد از همین امروز باید به آموزش اتحاد و

به‌دست فراموشی خواهند سپرد و گرانترین دارایی مردم ایران، یعنی «جان گرانقدر» زحمتکشانش را به بی‌ارزش‌ترین «متاع بازار» تبدیل خواهند کرد و به «ثمن بخشی» خواهند فروخت. کارگران و زحمتکشانش شاغل و بازنشسته حتی قدمی به عقب برنداشتند و برنخواهند داشت. مبارزه همواره ادامه داشته است و ادامه خواهد یافت. کارگران صنعت نفت، گاز و پتروشیمی به همراه کارگران صنعت فولاد و دیگر کارگران در صحنه مبارزه طبقاتی به‌رزم بی‌امان خود ادامه می‌دهند و کادر درمان، معلمان و دانشجویان، بازنشستگان، زنان رزمنده و جوانان دلیر در حمایت و همراه با کارگران در مبارزه طبقاتی حضور داشته و دارند. در بهمن ماه، ماه انقلاب و مبارزه پیشرونده، اعتصابات و تجمعات کارگری ادامه داشت، که در ادامه بخشی از رخدادهای مبارزاتی می‌آید:

نفت، گاز و پتروشیمی

۱ بهمن

شماری از کارگران ارکان ثالث شرکت نفت و گاز گچساران در اعتراض به بی‌توجهی و عدم پاسخگویی مسئولین به‌خواسته و مطالباتشان و وضعیت مزدی خود مقابل دفتر مرکزی شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار اجرای صحیح و بازنگری در طرح طبقه‌بندی مشاغل، تخصیص بن کارت و مزایای مزدی و بهبود دستمزد خود شدند.

۴ بهمن

کارکنان قراردادی نفت مقابل وزارت نفت تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار «اجرای کامل مصوبه قانونی شورای اداری و استخدامی صنعت نفت در دی ماه ۱۴۰۰ (فوق العاده تخصصی و مخصوص)، اصلاح فرمول محاسبه پاداش بهره‌وری مشابه کارکنان مدت معین و اصلاح فرمول اضافه‌کاری بر اساس تبصره یک ماده ۳۶ قانون کار» شدند.

۷ بهمن

کارگران پیمانکاری شاغل در پالایشگاه‌های ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲ و دیگر پالایشگاه‌های واقع در منطقه پارس جنوبی مطابق اعلام قبلی و در چهارمین شبه‌ی متوالی تجمع‌های اعتراضی خود، در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند و خواستار اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، تردد دو به دو (۱۴، ۱۴) نیروی اداری و پشتیبانی، ساماندهی وضعیت رانندگان استیجاری و دیگر مطالبات خود شدند. همچنین جمعی از کارگران پتروشیمی هگمتانه همدان نیز در اعتراض به عدم واریز معوقات ۷ ماهه مزدی، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۸ بهمن

کارکنان ارکان ثالث (شرکتی) در گچساران برای دومین بار تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار «ساماندهی کارکنان، عدالت پرداخت حقوق و مزایای شغلی، حذف پیمانکاران و تامین نیرو» شدند. کارگران نفت و گاز گچساران می‌گویند: برای برقراری عدالت، هیچ راهی جز حذف پیمانکاران و انعقاد

اسفناک معیشتی خود تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار دریافت حقوق بالاتر از خط فقر شدند. بازنشستگان کرمانشاه در پایان تجمع خود بیانیه‌ای منتشر ساختند که در بخشی از آن چنین می‌خوانیم: «ما بازنشستگان، زمره افزایش تحقیرآمیز ۲۰ درصدی حقوق‌ها از سوی دولت را در شرایط تورم‌های بالای ۱۰۰ و ۲۰۰ درصدی در بسیاری از اقلام کالاهای اساسی که حاصل سیاست‌های اقتصادی همین دولت است را، توهین به کرامت انسانی خود دانسته و خواستار (تعیین حقوق‌ها مطابق هزینه‌های واقعی سبد معیشت و مطابق با نرخ واقعی تورم که در قانون اساسی و مواد ۱۲۵ (ق م خ ک) و ماده ۹۶ تامین اجتماعی و ۸۹ صندوق مخابرات و نیز مواد قانونی مربوط به سایر صندوق‌ها به صراحت آمده است) می‌باشیم و تاکید می‌نماییم تا حق خود نگیریم، از پای نمی‌نشینیم!»

شماره ۲۳ از بازنشستگان صنایع فولاد تهران، اصفهان و مازندران در اعتراض به وضعیت اسفناک معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

جمعی از بازنشستگان مخابرات در استان‌های اصفهان، تهران، گیلان، قزوین، لرستان (خرم آباد و بروجرد)، چهارمحال و بختیاری، کردستان (سنندج، قروه، مریوان و بیجار) اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خوزستان، فارس، مازندران، همدان، هرمزگان، زنجان، کرمانشاه، مرکزی و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه‌درمانی مقابل مخابرات منطقه مربوطه خود تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند.

گروهی از بازنشستگان کارگری در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان در شوش، اهواز و کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار تعیین حقوق و مستمری براساس خط فقر و تورم واقعی و همچنین برخورداری از خدمات رفاهی مکفی شدند. بازنشستگان در شهر شوش مقابل فرمانداری، در شهر اهواز مقابل سازمان تامین اجتماعی و در شهر کرمانشاه مقابل کانون بازنشستگان تجمع خود را برگزار کردند.

شماره ۸ از کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن ناحیه شمال یک در مخالفت با عقد قرارداد کار با پیمانکار جدید، مقابل ساختمان مرکزی راه آهن در عباس آباد تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران گفتند: کارفرمای جدید در حالی اصرار به عقد قرارداد با کارگران دارد که برخی مفاد قرارداد تنظیم شده به ضرر کارگران است که باید اصلاح شود.

شماره ۲۴

محکم کردن حلقه‌های اتحاد میان همه کارگران حتی حراستی‌ها بکوشند و با برپایی سندیکای کارگری خود در موقعیت بعدی از حمایت حداکثری کارگران برخوردار باشند. سفره همه کارگران یکی است و رونق سفره هر کارگر موفقیتی برای همه کارگران است.»

شماره ۱۲ سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و چند تشکل کارگران بازنشسته با انتشار بیانیه‌ای احضار و پرونده‌سازی برای کارگران را محکوم ساختند. در بخشی از این بیانیه می‌خوانیم: «اطلاع یافتیم برای ۲۴ کارگر فعال فولاد اهواز و ۱۴ بازنشسته گیلانی پرونده‌سازی شده است. اینگونه احضارها و پرونده‌سازی‌ها ما را از پیمانی که بیش از صد سال با خون جان‌باختگان این راه بسته‌ایم روگردان نخواهد کرد. همانقدر که شاه و عوام‌لش توانستند سد راهمان بشوند شما هم خواهید شد. ترس حقیرتر از آن است که ما را از عهدی که بسته‌ایم باز دارد.»

شماره ۳۰ از کارگران شیفت صبح فولاد قزوین در اعتراض به کیفیت وعده‌ی غذایی در این کارخانه دست به اعتراض زدند. پیش از این نیز در تاریخ ۱۷ بهمن ماه سال جاری، خبری از وضعیت نامطلوب غذای کارخانه فولاد قزوین در شهرستان تاکستان، منتشر شده بود.

مدیریت فولاد اهواز برای انتقام از کارگران فولاد، کارت ورود تعدادی از کارگران معترض و اعتصابی فولاد را مسدود و مانع از ورود آنان به شرکت شد. کارگران اخراجی، که کارت تردد آنان بسته شده است با برپایی چادر مقابل ورودی شرکت تحصن کردند و دیگر کارگران فولاد به دفاع از آنان برخاستند.

شماره ۳۱ از بازنشستگان فولادی در شهرهای تهران، اصفهان و قائم شهر همچون هفته‌های گذشته در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان از جمله همسان‌سازی حقوق‌ها و بیمه تکمیلی درمان، مطابق تجمعات مستمر یکشنبه‌های اعتراضی مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی شهرهای مربوطه خود برای احقاق حقوق خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. اجرای طرح تکمیلی همسان‌سازی، تسریع در پرداخت کامل معوقات، بازگشت جایگاه واقعی صندوق فولاد در برنامه هفتم توسعه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد و اجرای آیین‌نامه و قوانین خاص فولادی و احیای جایگاه آن از خواسته‌های به حق کارگران بازنشسته صنعت فولاد است.

شماره ۳۲ جمعی از بازنشستگان کشوری شهرهای تهران، کرمانشاه، اهواز و ... در اعتراض به افزایش بیست درصدی حقوق‌ها و شرایط



مشکلات کارگران یک شهرداری،

پارس جنوبی هفت‌تپه و مهمانداران قطار

روایت رنج کارگران قراردادی (بخش دوم)

گزارشی که از نظر خوانندگان گرامی توفان الکترونیکی می‌گذرد توسط خبرنگار روزنامه اعتماد، بنفشه سام‌گیس مورخ دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲ به‌رشته تحریر درآمد که ما بخاطر اطلاعات مهم آن از وضعیت کارگران پیمانکار چه از نظر شکل استخدامی و چه در شکل حقوق معیشتی و حقوق ایمنی کار و رابطه با کارفرما بسیار حائز اهمیت است و در دو شماره نشریه به‌چاپ می‌رسانیم، به امید آن که برای مدافعان حقوق کارگر مفید افتد.

هیات تحریریه توفان الکترونیکی

استان سیستان و بلوچستان

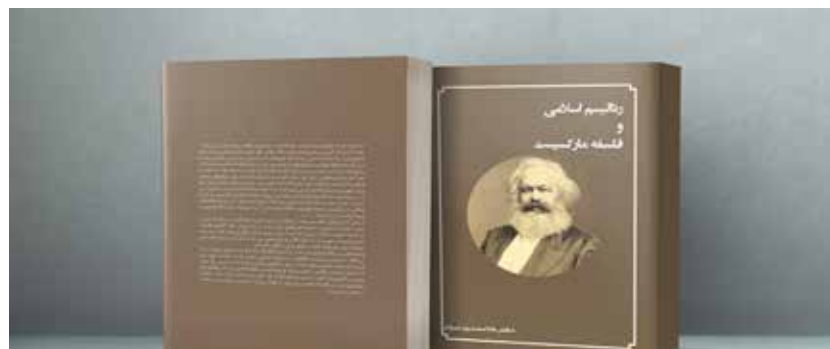
کارگران پیمانکاری شهرداری [...] که مسولیت رفت و روب خیابان‌های شهر را برعهده دارند، در ۱۰ سالی که گذشت، بارها و ماه‌ها چشم انتظار دریافت حقوق‌شان مانده‌اند. کارگران که اهالی شهری هستند که خودش از محروم‌ترین‌های ایران است و سرنوشت جیب اغلب ساکنانش، بهتر از همسایه کنار دستی‌شان نیست، وقتی ۴ ماه و ۶ ماه و ۳ ماه حقوق نمی‌گیرند، ناچارند در ساعات بعد از نظافت شهر به دستفروشی و عملگی و بارکشی مشغول شوند و اگر عرصه خیلی تنگ شده باشد جوری که از پس ضروری‌ترین مخارج زندگی، از پس خرید یک ظرف ماست هم برنیايند، با چند سر نان‌خور، مهمان اجباری خانه این

جمعی از اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق سراسر کشور در اعتراض به افزایش ۲۰ درصدی حقوق سال بعد، به تهران آمده و مقابل شورای نگهبان تجمع کردند. نمایندگان کلاه‌زرها می‌گویند: ما کارگران دولت هستیم و باید دستمزدمان مانند تمام کارگران کشور توسط شورای عالی کار تعیین شود اما دولت امسال برای دومین بار، افزایش حقوق ما را در لایحه بودجه سالانه و مطابق با افزایش حقوق کارمندان دولت تعیین می‌کند که این رویه غیرقانونی است.

۲۸ بهمن

جمعی از پرستاران و کادر درمان در استان‌های خوزستان، خراسان رضوی، یزد، فارس، قم، البرز، بوشهر و ... در اعتراض به دریافتی پایین و شرایط اسفبار کار، مقابل استانداری در استان‌های مربوطه خود تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار «اصلاح قانون تعرفه‌گذاری، حذف اضافه کار اجباری و افزایش دریافتی پرستاران بر مبنای عدالت» شدند. پرستاران در شهر قم در بیمارستان بهشتی دست به تحصن و اعتراض زدند.

پیکار بی‌امان ما کارگران و زحمتکشان به پیش می‌رود ولی همانطور که مقالات پیشین تاکید کردیم مبارزه بدون تشکلات مستقل کارگری به پیروزی نخواهد رسید، ارتش پراکنده و بی‌نظم به پیروزی نمی‌رسد و رزم ما نیز بدون تشکلات صنفی، فرهنگی، مدنی و ... تحت رهبری حزب واحد، منضبط و رزمنده به سرانجام نهایی نخواهد رسید. آنچه نیاز امروزه مبارزه کارگران و زحمتکشان شهر و روستا می‌باشد، سندیکا و اتحادیه سراسری مستقل است. ما کارگران و زحمتکشان بدون تشکلات هیچیم و با اتحاد و تشکلات مستقل خود پیروز مبارزه و سازنده دنیای آینده خواهیم بود.



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

جابه‌جا کردن و کار بیشتر و سخت‌تری به من سپردن.» (س.م.) می‌گوید هنوز کارگران معوقه مزد دارند و هنوز از حق قانونی‌شان محروم‌اند و هنوز هیچ اتفاق بهتری نیفتاده. «هنوز اعتراض می‌کنم. وقتی مسوولیتی قبول می‌کنی، حتی آگه به ضررت باشه باید جوابگو باشی. کارگری که به من رای داده انتظار داره صدای اعتراضش رو به گوش شهردار برسونه. شهردار به ما گفت هر کارگری که مشکل داره معرفی کنین. شهرداری حق بیمه کارگر رو واریز نمی‌کرد و کارگر وقتی رفته بود بیمارستان، باید از جیبش به قیمت آزاد ۷ میلیون تومن پول دوا درمون می‌داد. رفتم دفتر شهردار، گفتم این کارگر مریضه. بی‌پوله. بیمه نداره. کمکش کنین. ۳ ماه حقوق طلب داره. حداقل، یک ماه از طلبش رو بدین. شهردار گفت درخواست بنویس دستور پرداخت بدم. درخواست نوشتم ولی تا سه روز بعد هم ریالی به همکارم ندادن. وقتی جواب کارگر رو نمیدن و مشککش رو حل نمی‌کنن، منم مجبور میشم برم پیش فرماندار و به استاندار تلفن بزنم. اینا هم در عوض با من لجبازی می‌کنن.»

استان بوشهر

از کنگان تا حوالی دشتستان، هوا بوی گند گاز و گوگرد می‌دهد و پیمانکارها سر و دست می‌شکنند تا از طریق واسطه‌ای و آشنایی و با مناقصه‌ها و مزایده‌های هر چه ارزان‌تر، گوشه‌ای از امورات پروژه‌ها و تعمیرات و بازسازی مجتمع پارس جنوبی؛ این عظیم‌ترین سفره نفتی و گازی دنیا که سر و تهش هنوز معلوم نیست بس که لایه‌های هنوز اکتشاف نشده دارد را صاحب شوند. پارس جنوبی اصلاً بی‌پول نیست و آنقدر اعتبار داشته و دارد که تبدیل به منطقه ویژه اقتصادی شده و قانون مجزا و فرودگاه اختصاصی دارد و میزان ذخایر و تولید و درآمدزایی‌اش، رقم‌هایی است که از صفحه ماشین حساب بیرون می‌زند. با این حال، صدای واقعی «پارس جنوبی»، نجوای دایمی اعتراض در کنج و گوشه‌های محوطه پالایشگاه است؛ اعتراض به کیفیت غذا، اعتراض به محیط کار بدون دستشویی بهداشتی، اعتراض به مینی‌بوس‌های فرسوده‌ای که سال‌ها قبل باید اوراق می‌شد، اما همچنان روی جاده‌های عسلویه، کارگر جابه‌جا می‌کند، اعتراض به کمپ‌های غیراستاندارد، اعتراض به حقوق کم، اعتراض به ساعات طولانی و تحمیلی کار در پروژه‌های پیمانکاری، اعتراض به رعایت نشدن قانون....

«ش.ح.» یکی از کارگران معترضی است که در سال‌های اخیر، پای ثابت هر اعتراض صنفی بوده، اما اتفاقاتی که از پاییز پارسال گرفتارش کرد، حالا از «ش.ح.» آدمی ساخته مثل مک مورفی فیلم «پرواز بر فراز آشیانه فاخته»؛ آنقدر کسر حقوق و حذف اضافه‌کار و بازداشت موقت در پرونده «ش.ح.» ثبت کرده‌اند که می‌فهمد بدون آنکه بخواهد، وادار به سکوت شده است. «از پاییز پارسال شروع شد. در این یک‌سال تقریباً هر اعتراضی ممنوع بوده. برای هر تجمع صنفی یک حکم امنیتی دادن و برخورد با کارگر معترض شدیدتر شد. اوج برخورد، اسفند پارسال بود که همگی با امضای تعهدنامه، مجبور به سکوت شدیم فقط به دلیل اینکه به تجمع فکر کرده بودیم. حدود ۱۵ نفر

برادر و آن عمو و این دایی می‌شوند با اینکه از نگاه برادر و عمو و دایی، خوب می‌خوانند که چه ناخوانده و ناخواسته‌اند. کارگران، بارها در اعتراض به حق پیمان شده‌شان جلوی شهرداری و دفتر شورای شهر و فرمانداری تجمع کرده‌اند و هر بار قول‌های شتابزده گرفته‌اند و بارقه‌امیدی به چشم‌شان دویده، اما در هفته بعد و هفته‌های بعد، قول‌ها همه پوچ شده، چون شهردار در جواب همه قول‌ها گفته: «پول نداریم». دو سال قبل، کارگران بین خودشان رای گرفتند و نماینده‌ای از خودشان تعیین کردند که به دفتر شهردار و شورای شهر و فرماندار و استاندار برود و خبر ببرد و خبر بیاورد و طلب حق کند. «س.م.» همان نماینده منتخب است؛ کارگری که سابقه کار بیشتر از بقیه همکارانش دارد ولی وقتی پرداخت حقوق کارگران، ۴ ماه و ۶ ماه و ۳ ماه عقب می‌افتد، «س.م.» هم حال و روز بهتری ندارد. «س.م.» فروردین اردیبهشت امسال، دو ماه از کار معلق شد به جرم اینکه تا دفتر فرمانداری و استانداری، دنبال معوقات مزدی همکارانش دویده بود. خرداد ماه، با وساطت امام جمعه و فرماندار مشغول به کار شد، اما آذر ماه، دوباره ۵ روز از کار معلق شد به جرم اینکه با پیگیری از طریق اداره کار و فرمانداری و شورای شهر، موفق شده بود سختی کار کارمندان شهرداری را قطع کند و رقمش را به دریافتی همکارانش گره بزند.

«بهشون گفتم سختی کار، حق کارگره نه حق کارمند بخش اداری که پشت میز نشسته.»

«س.م.» می‌گوید تعلیق از کار، فقط یکی از تنبیه‌ها بوده و بارها در این ۲ سال اضافه‌کارش را قطع کرده‌اند، از حقوقش کسر کرده‌اند یا وقتی معوقه مزدی بقیه کارگران را می‌دادند، اسم او را از فهرست طلبکارها خط زده‌اند....

«کارگر رو می‌بردم دفتر شهردار، می‌گفتم این بنده خدا مشکل داره، زندگیش داره از هم می‌پاشه، زن و بچه‌اش گرسنه‌ان. لااقل بعد از ۵ ماه که این همه التماس کردیم برای حقوق مون، ۵ تومن از طلب مزدی این کارگر رو بهش بدین که زنش برگرده خونه. می‌گفتن باشه، شما برو ما مشککش رو حل می‌کنیم. پامو از در بیرون می‌گذاشتم، حق کارگر رو که نمی‌دادن، هیچ، من رو از واحدی که بودم جابه‌جا می‌کردن، از درصد سختی کارم کم می‌کردن و مثلاً از ۱۰ درصد، ۵ درصدش رو می‌دادن، حقوقم رو کم می‌کردن و همه این کارها برای این بود که ساکت بشم و دنبال حق همکارم رو نگیرم. جوری برخورد می‌کردن که از اعتراض و مطالبه‌گری پشیمون بشی.»

به‌صراحت می‌گفتن که چون حق همکارت رو پیگیری کردی از حقوقت کم کردیم یا سختی کار بهت ندادیم؟

«به‌هیچ‌وجه. ولی معلوم بود دلیل این رفتارمون چیه، چون این بلاها فقط سر من می‌اومد که نماینده کارگرا بودم. یک نوبتش رو که خیلی خوب یادمه؛ حقوق کارگرا، چند ماه عقب افتاده بود و کارگرا می‌گفتن دیگه کسی یک ریال به ما قرض نمیده و واقعا گرسنه‌ایم. گفتم بریم تجمع کنیم تا یک مقامی، یک مسوولی صدامون رو بشنوه و حق قانونی‌مون رو بگیریم. رفتیم جلوی فرمانداری تجمع کردیم و مثل همیشه قول رسیدگی و پیگیری دادن. هفته بعد از تجمع، من رو از واحدی که مشغول به کار بودم

«سال اول که اوادم عسلویه، با عنوان کارشناس مشغول به کار شدم، بعد از چند نوبت اعتراض، رده شغلیم رو به تکسین ارشد تنزل دادن، بعد از چند نوبت اعتراض، عنوان شغلیم رو به طور کامل حذف کردن. سال‌هاست که نمی‌دونم با چه عنوانی کار می‌کنم. در همه این سال‌ها به دلیل اعتراض صنفی و همراهی با همکارانم، کارفرما همیشه اضافه‌کارم رو صفر رد کرده؛ ساعت‌ها اضافه بر ساعت موظف کار می‌کنی ولی بابتش هیچی بهت نمیدن، چون قبلاً اعتراض کردی که مثلاً چرا دوش حموم به تعداد کافی نیست یا چرا یک دستگاه آب سرد کن نداریم یا چرا جایی برای شستن لباس نداریم یا چرا جایی گرم کردن غذا مون نداریم یا چرا بسته ماهانه صابون و پودر لباسشویی و قند و چای به ما نمیدن. این رفتار، از اخراج بدتره. وقتی از حق قانونیت محروم میشی یعنی جایی توی بدنه نداری.»

«ع.ف» در همان پالایشگاه، همکار «ش.ح» است. «ع.ف» سال اولی که مشغول به کار شد، بازرسی از اداره کار آورد تا قوانین مرتبط با ساعت کار و مرخصی و میزان دستمزد و باقی مسائل مرتبط را برای کارگران تشریح کند. «ع.ف» می‌گوید در آن جلسه، نماینده کارفرما هم حاضر بود و قرار شد تمام مقررات، طبق اساسنامه مورد تایید بازرسی اداره کار تعیین شود و شد، اما حالا بعد از ۱۰ سال، متن آن اساسنامه، جزئی از خاطرات کارگران است آن هم اگر هنوز کسی یادش مانده باشد که قرار بود چه قوانینی رعایت شود که نشد.

«با کارگر معترض، جوری برخورد می‌کنن که شخصیتش رو زیر سوال ببرن.... قسمتی که ما کار می‌کردیم، دستشویی نداشت. بارها اعتراض کردیم که باید در محیط کار دستشویی باشه که توجه نکردن. مجبور بودیم برای شستن دست و صورت مون بریم دستشویی بخش اداری. یادم هست که وقت اذان ظهر، با دمپایی رفتم دستشویی بخش اداری که وضو بگیرم. بعدها کمیته انضباطی سه تا نامه روی پرونده تخلفاتم گذاشت و اعلام کرد که فلاتی، مقررات محیط کار رو رعایت نکرده و با دمپایی اومده به بخش اداری.»

استان خوزستان

اعتراضات «هفت‌تپه» هنوز و با گذشت دو سال از واگذاری این مجموعه به «شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی» نقل محفل کارگران است. تجمعات اعتراضی ۲۰ روزه و ۸۰ روزه، بستن جاده‌های منتهی به کارخانه، همراه شدن جناح چپ و راست با کارگرانی که به شعاری واحد برای قطع دست بخش خصوصی از این مجتمع صنعتی رسیده بودند.... رخدادهای «هفت‌تپه» کم‌نظیر بود ولی پشت پرده این هیجان، قصه‌هایی تلخ، اما واقعی جریان داشت که بعضی‌شان هیچ‌گاه بازگو نشد... امروز تعداد زیادی از خانواده‌های کارگران هفت‌تپه، هنوز بابت همین قصه‌های تلخ واقعی، تاوان می‌دهند....

«س.ر» سیاه‌پوش است برای برادر ۲۹ ساله‌اش که سه ماه قبل خودش را دار زد. برادر ۲۹ ساله، به‌تنگ آمده بود، چون روزمزدی پای زمین کشاورزی مردم، دیگر جواب ضروری‌ترین خرج‌ها را هم نمی‌داد. «س.ر» می‌گوید برادر جوانش به‌هر دری زد که شغلی

بازداشت شدن، حدود ۵۰ نفر ممنوع‌الورود شدن، از یک نفر اعتراف تصویری گرفتن و همه این برخوردها فقط به دلیل تصمیم به تجمع بود در حالی که اصلاً تجمعی برگزار نشده بود. صبح روز برگزاری تجمع، وقتی جلوی محوطه پالایشگاه رسیدیم، وقتی هنوز از مینی‌بوس پیاده نشده بودیم که تجمعی شکل بگیره، یگان ویژه که از قبل اونجا مستقر شده بود، ما رو متفرق کرد ولی اسم همه ما به‌عنوان آشوبگر و معترض ثبت شد. بعد از اون روز، طوری وادار به سکوت شدیم که حتی وقتی کارفرما تخلف می‌کنه هم، دیگه اعتراض نمی‌کنیم.»

اشاره «ش.ح» به «تخلف کارفرما»، حکایت پرونده‌ای است که سرانجامش برای ۱۴ هزار کارگر مجتمع پارس جنوبی، حکم برد تیم ملی فوتبال در مصاف با امریکا را داشت؛ باز خرید مرخصی استحقاقی ۱۴ هزار کارگر مجتمع گاز پارس جنوبی که سال‌ها پرداخت نشده بود و سهم سنواتی هر کارگر، به‌حداقل ۶۰ الی ۷۰ میلیون تومان می‌رسید. پارسال، این پرونده با پیگیری نماینده قانونی کارگران نتیجه داد و حکم محکومیت کارفرما در دادگاه بوشهر صادر شد و صدور احکام پرداخت وجه برای کارگران آغاز شد و حتی ۱۰۰ نفری هم حق قانونی‌شان را گرفتند، اما نوبت که به نقرات صدو یک و صد و دو و... رسید، چرخ از حرکت ایستاد و چند ماه بعد خبر آمد که قاضی صادر کننده حکم، به‌دلیلی نامعلوم به‌شهر دیگری منتقل شده و کارفرما به تهران رفته و در حالی که فرصت اعتراض به حکم دادگاه هم مدت‌ها قبل منقضی شده بوده، از دیوان عدالت اداری، حکم توقف پرداخت به کارگران را گرفته و....

«وقتی شنیدیم کارفرما حکم دادگاه رو برگردونده و به‌نفع خودش رای گرفته، دیگه از اون لحظه به‌بعد، ما هیچی نداشتیم. یک‌جور حالت ناامیدی در کل پالایشگاه ایجاد شد و به‌وضعی رسیدیم که دیگه بابت هیچ موضوعی اعتراض نکنیم. یک‌ساله که کل پالایشگاه در اغماست با اینکه هیچ کدوم راضی نیستیم و همون خدمتاتی که قبلاً داشتیم هم آب رفته ولی هیچ کسی هم حرفی نمی‌زنه. انگار جرات و شهامت رو دفن کردیم و یک فاتحه براش خوندم. همه راجع به اعتراض صحبت می‌کنن ولی دیگه اعتراض نمی‌کنن و این اعتراض نکردن، از اعتراض کردن به‌مراتب بدتره. قبول داری؟»

«ش.ح» ۱۲ سال سابقه کار در پالایشگاه گاز پارس جنوبی دارد و در این ۱۲ سال، هر جور تنبیهی را تجربه کرده. بدترین تنبیه، تعهدی بود که اواخر زمستان پارسال امضا کرد و مثل ۵۰ کارگر بازداشتی و ممنوع‌الورود، برای خلاصی از سوء پیشینه، قول داد که علاوه بر فکر نکردن به‌هر گونه اعتراض و مخالفت و شکایت، در محل کارگاه درگیری فیزیکی نداشته باشد، به اموال و وجوه دولتی آسیب نزنند، از دستور مقامات بالاتر تمرد نکند، در ساعت کار در محیط‌های ممنوعه مجتمع سیگار نکشد، تهمت و افترا نزنند، در تحصن و اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی شرکت نکند و محرک برپایی تجمع و تحصن نباشد، کارشکنی و شایعه‌پراکنی نکند و....

کرده و طرح طبقه‌بندی هنوز اجرا نشده و الان با یک عده معارض طرفیم که ادعای تملک کارخونه زغال و کارخونه رب گوجه و ۱۲ هزار تن شکر و ۱۸۰۰ هکتار زمین مازاد و خونه‌های سازمانی دارن و دولت هم به‌جای پیگیری قول و وعده‌هاش، سکوت کرده. تابستون امسال، به‌بهانه بی‌آبی، آب مجموعه رو قطع کردن. رفتیم جلوی دفتر امام جمعه اهواز تجمع کردیم تا آب رو وصل کنن و ریشه نیشکر نسوزه. آب وصل شد و مشغول کار بودیم که به‌بهانه بی‌آبی، برق مجموعه رو قطع کردن و دوباره برای وصل برق تجمع کردیم.»

«الف.س» می‌داند که برخورد با اعتراضات هفت‌تپه از یک رسم الخط واحد پیروی می‌کند که خطوطش، هر چند وقت یک‌بار، بسته به آستانه تحمل و ساختار شعار دولت‌ها، کم‌رنگ و پررنگ می‌شود.

«تا وقتی هفت‌تپه، دست کارفرمای خصوصی بود، کوچک‌ترین اعتراض، مساوی بود با پرونده‌سازی. برگزاری تجمع صنفی، مساوی بود با اتهام اخلال در نظم عمومی. برای تمام نماینده‌های کارگری هفت‌تپه پرونده قضایی تشکیل شده بود و کارفرما از تمام نماینده‌ها شکایت کرده بود.»

کارفرما در قبال اعتراض یک روش مشخص داشت؛ اول به تطمیع کارگر متوسل می‌شد و اگر تطمیع جواب نمی‌داد، پای تنبیه وسط می‌اومد. هدف اصلی، ساکت کردن کارگر بود. تقریباً تمام کارگرای هفت‌تپه، مزه تنبیه رو چشیدن ولی وضع نماینده‌های کارگرا خیلی بدتر بود؛ قراردادشون فسخ شد، رتبه شغلی‌شون آب رفت، مسوولیت‌شون رو تنزل دادن، جابه‌جاشون کردن، آدم می‌فرستادن و تهدیدشون می‌کردن من چند پرونده قضایی با اتهامات مشابه داشتم و انگار یک پرونده رو چند تیکه کرده بودن، چون در همه پرونده‌ها، به‌اخلال در نظم عمومی و تحریک کارگران متهم شده بودم.

یادم هست که مرخصی داشتم و یک‌روزه رفته بودم اهواز. همون روز، بچه‌ها تجمع کردن. وقتی برگشتم شوش، مامور با حکم جلب اومد سراغم. وقتی رفتم دادگاه، فهمیدم کارفرما از من به‌دلیل شورش و اعتراض شکایت کرده. به‌نماینده کارفرما گفتم من اون روز اصلاً توی شهر نبودم و اهواز بودم و برگه مرخصی دارم. نماینده کارفرما گفت بله، تو حضور نداشتی ولی از اهواز، به کارگرا خط می‌دادی! رای بدوی یکی از پرونده‌های من، ۸ ماه زندان و ۳۰ ضربه شلاق بود که این رای هم توی تجدیدنظر، به‌دلیل فقدان مستندات شکست ولی کارفرما جبران کرد؛ من کارگر رسمی بودم و نمی‌تونست من رو اخراج کنه ولی ۶ ماه تعلیق از کار شدم، ممنوع‌الورود شدم، با دستور کارفرما، به‌مدت ۶ ماه اضافه‌کارم رو قطع کردن و در این ۶ ماه، به من فقط حقوق پایه می‌دادن، کارفرما دستور داد ثبت ورود و خروج رو حذف کنن، چند نوبت به‌کمیته انضباطی احضار شدم و همه این کارها یک‌جور تسویه حساب کارفرما با من بود، چون انتظار داشت با حکم دادگاه، برم زندان و شر من از سرش کم بشه که نشد.»

ادامه دارد*

پیدا کند تا زن و فرزند دو ساله‌اش را از گرسنگی مزمن نجات دهد، اما شغلی پیدا نشد و جوان ۲۹ ساله، خودش را از رنج شرم فقر خلاص کرد... «س.ر.» یکی از نمایندگان کارگران هفت‌تپه است که زمان اوج اعتراضات و سال‌های ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ هزینه‌های گزافی بابت حرف‌هایش داد.

«چند بار به‌دلیل اعتراض دستگیر شدم و توی زندان استان و بازداشتگاه و زندان دزفول، حبس موقت داشتم. سال ۹۸ در آخرین نوبت بازداشت، از هفت‌تپه اخراج شدم و حکم من و اسماعیل بخشی (از اعضای موسس سندیکای کارگری هفت‌تپه) یکجا صادر شد. به من ۷ سال حبس دادن، به اسماعیل ۲۱ سال. سال ۱۴۰۰ من و اسماعیل حکم عفو گرفتیم. من با رای اداره کار برگشتم به‌هفت‌تپه ولی اسماعیل رو خونه‌نشین کردن. شنیدم با مسافرخشی خرج زندگیش رو جور می‌کنه.»

«س.ر.» غیر از حبس و اخراج، بارها کتک خورد، بارها ممنوع‌الکار شد تا اینکه نیمه سال ۱۴۰۰ وقتی پرونده واگذاری هفت‌تپه به‌شرکت سهامی خاص را بستند و گروه جدیدی مدیریت مجموعه را به‌عهده گرفت و کارگران هفت‌تپه، باز هم مسوولیت پیگیری مطالبات‌شان از گروه کارفرمایی را به «س.ر.» سپردند، فکر کرد حالا نفس کشیدن در محوطه ۲۴ هزار هکتاری هفت‌تپه راحت‌تر از قبل شده است.

«اوباش، در و درگاه خونه یوسف بهمنی رو آتیش زدن. سال ۹۶ چند نفر نقاب‌دار توی خیابون به اسماعیل بخشی حمله کردن. سال ۹۹ چند نفر ناشناس طوری من رو به‌زمین کوبیدن که دکترها مجبور شدن توی استخون پام پلاتین بگذارن. ۵۰۰ نفر از کارگرا به‌دلیل اعتراض و تجمع صنفی، حکم اخراج و تعدیل و ممنوع‌الکاری گرفتن یا بازداشت و زندانی شدن. اعتراض ما برای حق قانونی و صنفی بود. برای حقوقی که سه ماه یک‌بار پرداخت می‌شد، برای دریافت لباس ایمنی، برای حقوق عادلانه. در حدی بی‌پول شده بودیم که نونوایی شهر به ما نون قرضی نمی‌داد. چند تا از کارگرا به‌خاطر بی‌پولی خودکشی کردن.»

«الف.س»، یکی از نماینده‌های کارگران هفت‌تپه بود در نیمه دهه ۹۰ و زمانی که یک ملت، هوادار حق هفت‌تپه‌ای‌ها بود. «الف.س»، امروز مثل پیرمردهای بازنشسته‌ای که کهولت، جرات‌شان را آب کرده، می‌ترسد با کلمه و جمله‌های واضح اعتراض کند. برای تغییر نامش طوری که هیچ‌کس نفهمد با کدام یک از اعضای گروه ۱۸ نفره نمایندگان کارگری «هفت‌تپه» صحبت کرده‌ام، حروف الفبا را چند بار پس و پیش می‌کنم تا به کمترین شباهت با حرف اول نام و نام خانوادگی‌اش برسم. «الف.س»، در همه این سال‌ها و حتی امروز، در مظان اتهام تشویق به‌شورش بوده و هست و می‌گوید تفاوت این روزهای هفت‌تپه با روزهای سال ۹۹ و ۹۸ فقط این است که حالا مدیریت مجموعه به‌شکل قسطی و نیمه‌کاره در اختیار دولت است اما مشکلات مهیب‌تری گلوی هفت‌تپه را به‌چنگ گرفته و موج اعتراض هنوز بلند است. «ما هنوز معترضیم. ما چند سال با مدیریت مجموعه جنگیدیم تا بالاخره هفت‌تپه رو از بخش خصوصی گرفتن ولی دولت قول داد واگذاری هفت‌تپه رو قطعی کنه که تا امروز، کار واگذاری، توی وزارت صمت و سازمان خصوصی‌سازی و بازرسی کل کشور گیر



نامه سپیده قلیان به کنفرانس امنیتی مونیخ

KALEMEHTV

اینهمه شتابان کجا؟

انسانی و حفظ موجودیت ایران و... به فعالیت مستقل بپردازند، طبیعتاً زمینه برای تبلیغات دشمن که از امکانات فراوان برخوردار است آماده گشته و می‌تواند در این زمین آماده‌ی بهره‌برداری، سربازگیری کند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با روش فریبکارانه خویش راه فریبکاری دشمنان ایران را نیز هموار می‌کند که امثال سپیده قلیان و نرگس محمدی... از قربانیان آن هستند.

نقشی که امروز سپیده قلیان می‌خواهد بازی کند در خدمت افشاء جمهوری اسلامی نیست در خدمت نابودی ایران و همدستی با امپریالیست‌های غربی و ناتوی برای ادامه تحریم و مداخله نظامی در ایران است.

راهی که سپیده قلیان برگزیده است همانند مسیح علی‌نژاد و نرگس محمدی و شیرین عبادی... به زباله‌دان تاریخ می‌رود، همانجائی که رضا پهلوی، عبدالله مهدی، نتانیاهو و جو بایدن می‌روند.

نامه سپیده قلیان به کنفرانس امپریالیستی مونیخ ماهیت واقعی این زندانی سیاسی را روشن کرده و بار دیگر این امر را به اثبات می‌رساند که هر مخالف جمهوری اسلامی الزاماً انقلابی و مترقی نیست. مخالفت با نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بدون مرزبندی روشن با امپریالیسم و صهیونیسم فاقد هر گونه جوهر ملی و انقلابی است و جز این نیست.*

سپیده قلیان، زندانی سیاسی در زندان اوین، طی نامه‌ای به کنفرانس امنیتی مونیخ، خواهان «پیوند خوردن نیروهای دمکراتیک ایران» و «حمایت جامعه بین‌المللی از نهادهای مدنی» شده است و نوشته نسلی که در جریان اعتراضات سال گذشته در ایران برخاسته، «نه فقط جمهوری اسلامی بلکه تفکر استبدادی را زیر سؤال می‌برد». خانم قلیان همچنین نوشته «زن، زندگی، آزادی» جنبشی نیست که به این زودی‌ها بخوابد... انقلاب فرار و فروز دارد و کشورهای دمکراتیک و مجامع بین‌المللی دقیقاً در چنین شرایطی باید صدای جامعه مدنی، حقوق بشری و نهادهای دمکراتیک ایران باشند.»

تحولاتی که در جامعه ایران و حتی در زندان‌های ایران صورت گرفته وضعیتی ایجاد شده است که دلقک‌هائی نظیر معصومه علی‌نژاد، اسرئیل اینترنشنال، رادیو فردا و زمانه... صحنه‌گردان معرکه شده‌اند و رهبری معنوی اعتراضات به‌ویژه جامعه روشنفکری و متوسط ایران را در دست گرفته‌اند، متأسفانه در رفتار و رویه سپیده قلیان و برخی زندانیان سیاسی بی‌مایه نظیر او موثر واقع شده است.

در شرایطی که فقدان دموکراسی مانع از آن است که نیروهای انقلابی و دموکرات به‌افشاء‌گری دست زده و حتی سازمان‌ها، گروه‌ها، اتحادیه‌های کارگری برای حفظ حقوق معیشتی و

انفجارهای خط لوله گاز بروجن و کارخانه شیمیایی در شهر قدس کار اسرائیل بود

نیویورک تایمز به نقل از دو مقام غربی و یک استراتژیست مرتبط با سپاه گزارش داد اسرائیل پشت انفجار هفته اخیر در دو خط لوله گاز در ایران بود. دو مقام غربی همچنین گفتند انفجار پنجشنبه در یک کارخانه شیمیایی در شهر قدس نیز کار اسرائیل بود. این دو مقام غربی و یک استراتژیست مرتبط با سپاه نیز گفتند حمله اسرائیل به خط لوله‌های گاز نیازمند دانش عمیق از زیرساخت‌های ایران و هماهنگی دقیقی بود، به ویژه آن که هر دو خط لوله در یک زمان از چند نقطه منفجر شدند. یکی از مقام‌های غربی گفت: حمله اسرائیل یک اقدام نمادین بزرگ بود.

تعمیر خرابی‌ها برای ایران ساده بود و نسبتاً آسیب کمی برای غیرنظامیان ایجاد کرد، اما در شرایطی که درگیری‌ها در منطقه تشدید می‌شود، این اقدام یک هشدار جدی را به ایران داد که اسرائیل قادر است چه ضربه‌هایی بزند. استراتژیست مرتبط با سپاه گفت با توجه به پیچیدگی و ابعاد این عملیات، حکومت ایران معتقد است اسرائیل حمله‌ها را انجام داده و مطمئناً این عملیات نیازمند همکاری عواملش در داخل ایران بوده است.

این استراتژیست گفت خط لوله‌هایی که هدف حمله قرار گرفتند تحت محافظت امنیتی قرار دارند و حمله‌کنندگان احتمالاً از زمان‌بندی گشت‌زنی نیروهای امنیتی در محوطه این خط لوله خبر داشته‌اند.

ساعت حدود یک و نیم بامداد چهارشنبه ۲۵ بهمن، دو انفجار مهیب در گردنه حلوانی بروجن استان چهارمحال و بختیاری و تنگ قادرآباد در خرم‌بید واقع در صفاشهر استان فارس رخ داد. انفجار در خط لوله‌های گاز یک روز پس از عملیات هکری علیه وبسایت‌های مجلس شورای اسلامی از سوی گروه «قیام تا سرنگونی» که وابستگی‌اش به مجاهدین رجوی اعلام شد انجام گردید که بسیاری از اسناد محرمانه مرتبط با این نهاد در پی این هک منتشر شدند.

یکی از اسناد منتشر شده در هک مجلس نشان می‌دهد دبیر شورای عالی امنیت ملی روز شش آذر ماه امسال در نامه‌ای به خامنه‌ای و رئیسی وقوع رویدادهایی از این نوع را پیش‌بینی کرده است. اکنون پس از گمانه‌زنی‌های مختلف روشن شده است که این اقدام تروریستی با مدیریت سازمان جاسوسی اسرائیل صورت گرفته و در ارتباط با اقدامات اخیر هکری در مجلس و سایر تحرکات آشوبگرانه و تروریستی در کرمان و نواحی مرزی است. *

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



نسل کشی هستیم. او بدون پرده پوشی اسرائیل را به نسل کشی فلسطینی‌ها متهم ساخت.

در این هنگام حاضرین در سالن با کف زدن های ممتد پشتیبانی خود را از این بیانات ابراز داشته و به این ترتیب از خلق فلسطین به دفاع پرداختند. البته برای خالی نبودن عریضه روز بعد شهردار برلین اظهار داشت که « برلین در کنار اسرائیل ایستاده و برگزار کنندگان فستیوال را متهم به اهمال کاری کرد! از سوی دیگر بعد از ظهر یکشنبه در «پانوراما» سایت اینستاگرام فستیوال برلین یک استوری تحت عنوان «از رودخانه تا دریا، فلسطین آزاد» در کنار آرم خرس فستیوال ظاهر شد. همان شعاری که حق حاکمیت بر این سرزمین را از آن فلسطینی‌ها می‌داند و نه صهیونیست‌های اسرائیل. علاوه بر این در همان استوری ذکر شده بود «نسل کشی، نسل کشی است، ما همه مقصریم و اسرائیل را به ارتکاب پاکسازی قومی متهم کرده و به نام «پانوراما» شعبه برلین خواهان آتش بس فوری در غزه هستیم. در انتهای پیام اضافه کرده بودند که این نوشته بعد از بحث طولانی داخلی به تصویب رسیده است. ما از سایر موسسات فرهنگی خواستاریم که آنها نیز به چنین اقدامی دست یازند.» در ضمن در زیر نور افکن «برلیناله» عکس یکی از قربانیان جنگ غزه نصب شده بود و آن به زبان انگلیسی نوشته شده بود «به ترور دولتی که توسط دولت آلمان نیز تامین مالی می‌شود پایان دهید!» زنده باد همبستگی جهانی با خلق مبارز و قهرمان فلسطین! زنده باد مبارزات برحق خلق فلسطین در راه آزادی از یوغ صهیونیسم، امپریالیسم و استعمار!*

حقی به عنوان حق اشغال وجود ندارد. اسرائیل رژیم صهیونیستی، کودک‌کش، جنایتکار و اشغالگر است

همبستگی با خلق فلسطین در فستیوال فیلم برلین

گزارشی از فعالین حزب کارگران (توفان) در مورد فستیوال فیلم برلین:

فستیوال فیلم برلین، که همه ساله تحت نام «برلیناله» در این شهر برگزار می‌شود، امسال شاهد صحنه‌هایی استثنایی بود. از همان آغاز این فستیوال بر روی فرش قرمز، بعضی از هنرپیشگان با انداختن شال فلسطینی بر روی شانه همبستگی خود را با خلق فلسطین به نمایش گذاردند. هنگام اهدای جایزه به هنرپیشگان بر روی سن نیز برخی از آنها پشت میکروفن قرار گرفته و با خلق فلسطین ابراز همبستگی کردند. هنگام اهدای جایزه خرس طلایی به فیلم فلسطینی-اسرائیلی **No other land** (نه سرزمینی دیگر) که توسط دو هنرپیشه فلسطینی و اسرائیلی ساکن کرانه باختری پیرامون تار و مار کردن فلسطینیان توسط شهرک نشینان صهیونیست و نیز مخالفت با جنگ غزه، تهیه شده بود و از این طریق همبستگی خود را با خلق فلسطین به نمایش گذارده بودند، یکی از آنها پشت میکروفون قرار گرفت و گفت: برای من بسیار دشوار است که اینجا جشن بگیرم در حالیکه ده‌ها هزار فلسطینی توسط ارتش اسرائیل قتل عام می‌شوند. سپس تهیه کننده دیگری با شال فلسطینی بر دوش به روی سن آمده و به جمع آنان می‌پیوندد و می‌گوید: طبیعی است که من هم موافق آتش بس و پایان دادن به



بازنشستگان در کف خیابان چه می خواهند؟

کارکنان تخصیص یابد و برنامه زمان بندی مشخص در جهت ادغام همراه اول در شرکت مخابرات اجرایی شود. چرا بازنشستگان مخابرات هر هفته به خیابان می آیند و شاغلان مخابرات نیز اعتراض خود را به خیابان کشانده اند؟ پاسخ این سوال را این هفته مسئول خانه کارگر آرمان و بیدگل در توضیح چرایی ماه ها تعویق در پرداخت مزد کارگران شهرداری ها گفت شهرداری ها اعتبار مربوط به پرداخت دستمزد کارگران را صرف سرمایه گذاری و درآمدزایی برای شهرداری می کنند.

خبرگزاری ایلنا نیز خبر داد سازمان تامین اجتماعی با صدور یک بخشنامه تازه، موانع جدیدی بر سر بازنشسته شدن کارگران مشاغل سخت و زیان آور ایجاد کرد که بیشترین آسیب آن متوجه کارگران پیمانی است.

در ادامه اعتراضات چندساله و تجمعات هفتگی بازنشستگان مخابرات، رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارکنان مخابرات در نامه ای به «ستاد اجرایی فرمان امام» سهامدار عمده مخابرات، خواستار پرداخت مطالبات معوقه شاغلان و بازنشستگان مخابرات شد.

اعتراض بازنشستگان به پایین بودن سطح معیشت، عدم برخورداری از بیمه درمانی کارآمد و تعویق پرداخت مطالبات است که امروز سه شنبه نیز ادامه داشته است. عامل این بلا تکلیفی و فقر معیشتی ایران سیاست هار نئولیبرالی حکومت جمهوری اسلامی است که دمار از روزگار کارگران و بازنشستگان در آورده است.*

روز دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲، گروهی از بازنشستگان مخابرات ایران در استان های هرمزگان، آذربایجان شرقی، لرستان، اردبیل، آذربایجان غربی، کردستان، تهران، کرمانشاه، خوزستان، مرکزی و ... تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات عقب افتاده چند ساله خود شدند. عدم اجرای بدون تنازل آیین نامه رفاهی ۲۴/۸۹، فریز مطالبات، عدم تسویه پاداش پایان خدمت بازنشستگان و افزایش سهم کسورات بیمه تکمیلی درمان از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد از جمله مطالبات مورد اعتراض بازنشستگان مخابرات است.

بازنشستگان صندوق های مختلف بازنشستگی روزهای یکشنبه تا سه شنبه بیش از ۳۰ تجمع در شهرها و مراکز استان برگزار کردند. در حالی که بازنشستگان مخابرات هر هفته با خواست اجرای مصوبه ۱۳۸۶ و پرداخت مطالباتشان در مراکز حدود ۲۰ استان تجمع برپا می کنند، این هفته رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارکنان مخابرات از وجود ۳۴۰۰ میلیارد تومان سرمایه انباشته شده در حساب های بانکی شرکت پرده برداشت. او در نامه ای به «ستاد اجرایی فرمان امام» سهامدار عمده مخابرات، این نهاد و سایر سهامداران شرکت را متهم کرد که به جای پرداخت مطالبات شاغلان و بازنشستگان شرکت، برای خود «سود موهوم و حرام» ایجاد کرده اند. او در پایان خواست ستاد فرمان امام به قانون تمکین کند و نظر به «گسترش روز افزون نارضایتی کارکنان و بازنشستگان مخابرات»، به قید فوریت «سود انباشته موجود در همراه اول برای پرداخت مطالبات



پوتین برنده مصاحبه جنگ رسانه‌ای

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه ۲ ساعت از سوی تاکر کارلسون، مجری سابق فاکس‌نیوز در یک مصاحبه تلویزیونی مورد پرسش قرار گرفت. این مصاحبه که حتی از قبل مورد توجه قرار گرفته بود توانست مخاطبان بسیاری را جلب کند. گفته می‌شود بیش از ۱۸۰ میلیون نفر از شهروندان آمریکایی به پای این گفتگو نشستند. رسانه‌های جریان اصلی آمریکا روزهای قبل از مصاحبه به تخریب این گفتگو به عنوان پروپاگاندا پرداختند و نظرات افراد شناخته‌شده اما بدنامی مانند هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا و نامزد ریاست جمهوری آمریکا را جویا شدند که وی کارلسون را «احمق مفید» خطاب کرد.

همه اینها قبل از اینکه آنها کوچکترین اطلاعی از محتوای مصاحبه داشته باشند، اتفاق افتاد. تنها چیزی که آنها می‌دانستند این بود که پوتین فرصت صحبت پیدا خواهد کرد و از زمانی که کارلسون فاکس‌نیوز را ترک کرده و مستقل شده است، هیچ چهره شناخته‌شده‌ای از جریان اصلی برای نظارت بر او یا کنترل محتوای برنامه وجود ندارد. بدتر از آن، این برنامه قرار بود در پلتفرم ایکس (توییت سابق) متعلق به ایلان ماسک، که خود را «مدافع آزادی بیان مطلق» می‌داند، پخش شود. این موضوع نویدبخش رویکردی غیرتبلیغاتی نبود که غرب برای سرکوب روایت‌ها تحت عنوان مبارزه با اخبار جعلی از

جولیان آسانز قربانی توطئه امپریالیست‌های غربی و در راسش آمریکا

مروری کوتاه بر آنچه در خلال چند سال اخیر بر آسانز گذشت نشان می‌دهد که امپریالیست‌های اروپایی و آمریکایی که به دروغ خود را مدافع حقوق بشر و آزادی بیان جلوه می‌دهند اما دست افرادی را که بخواهند از خط قرمزشان عبور کنند، قطع می‌کنند.

آخرین جلسات استماع رسیدگی به پرونده جنجالی استرداد «جولیان آسانز» بنیان‌گذار سایت افشاگر «ویکی‌لیکس» به آمریکا به جرم افشای اسناد محرمانه پنتاگون در مورد حملات جنایتکارانه به عراق و افغانستان، روز سه‌شنبه هفته گذشته در دادگاه عالی لندن آغاز شد. وکلای او می‌گویند که این پرونده دارای انگیزه‌های سیاسی است و باعث نگرانی خبرنگاران در سراسر جهان شده است. بنیان‌گذار ویکی‌لیکس به دلیل انتشار صدها هزار سند فاش شده مربوط به جنگ تجاوزکارانه به افغانستان و عراق، در آمریکا تحت تعقیب است. آسانز طی نزدیک به پنج سال گذشته، عمر خود را در زندان بلمارش انگلیس به سر برده است. اسناد ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که چگونه ارتش آمریکا صدها غیرنظامی را در حوادث گزارش نشده در طول جنگ افغانستان کشته است. پرونده‌های فاش شده از جنگ عراق هم نشان می‌دهد که بطور رسمی ۶۶ هزار غیرنظامی توسط نیروهای عراقی کشته و زندانیان شکنجه شده‌اند. در صورت استرداد و محاکمه آسانز در آمریکا، او با ۱۸ عنوان اتهامی مختلف مرتبط با «جاسوسی» و «افشای اسناد محرمانه» مواجه است و به ۱۷۵ سال زندان محکوم می‌شود. اگر نام جولیان آسانز، الکسی ناوالی روسی بود، غرب ریاکار برایش سر و صدای جهانی به راه می‌انداخت، دول امپریالیستی غربی هم او را قهرمان بی‌بدیل حقوق بشر خود معرفی می‌کردند! اما بی‌وجدانهای سیاسی نمی‌توانند و درسششان هم نیست از با وجدانهای سیاسی مثل آسانز که گناهش افشای جنایت آمریکا و انگلیس در عراق و افغانستان است حمایت نمایند زیرا این جنایتکاران شرم‌ناک بر خلاف تصورات چپ‌های لیبرال و شیفته امپریالیسم، نسبت به منافعشان بسیار حساس و دقیق است و به احدی رحم نمی‌کنند و «حقوق بشر و آزادی بیان» یعنی کشک.*

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم

از اروپا حمله می‌کند. پوتین در این مصاحبه بسیار زیرکانه فاش کرد که در مقطعی بیل کلینتون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا به او گفته بود که روسیه فرصتی برای ورود به اتحاد نظامی ناتو خواهد داشت. وی در ادامه در پاسخ به این پرسش کارلسون که «آیا ممکن است روسیه به لهستان حمله کند؟» گفت: فقط در یک مورد؛ اگر لهستان به روسیه حمله کند؛ زیرا ما هیچ علاقه‌ای به حمله لهستان، لتونی یا هیچ جای دیگری نداریم.

رئیس‌جمهور روسیه همچنین سازمان سیا را مسئول انفجار خطوط لوله نورد استریم، قطع یک مسیر اصلی صادرات گاز روسیه به اروپا و دامن زدن به تنش‌های ژئوپلیتیکی دانست.

پوتین در ادامه در باره موضوع هوش مصنوعی و پیشرفت‌های ژنتیکی گفت که جهان سریع‌تر از زمان فروپاشی امپراتوری روم در حال تغییر است.

او گفت: در حال حاضر بشر به دلیل وجود محققان ژنتیکی با تهدیدات زیادی مواجه است؛ اکنون امکان ایجاد ابرانسان‌ها وجود دارد.

رئیس‌جمهور روسیه همچنین گفت: وقتی این درک به وجود آید که توسعه بی‌حد و حصر و کنترل نشده هوش مصنوعی یا ژنتیک یا برخی از روندهای مدرن دیگر را نمی‌توان متوقف کرد، این تحقیقات همچنان وجود خواهند داشت؛ همانطور که پنهان کردن باروت از بشریت غیرممکن بود.

پوتین چیزهای زیادی گفت که بخش بزرگی از مخاطبان غربی احتمالاً برای اولین بار می‌شنوند.

ادعای اینکه روسیه یک تهدید هسته‌ای برای غرب است، یک وحشت‌آفرینی برای گرفتن پول بیشتر از مالیات‌دهندگان آمریکایی برای جنگ‌ها است.

یکم اینکه روسیه همیشه برای مذاکره با اوکراین باز بوده است، اما رئیس‌جمهور ولادیمیر زلنسکی این موضوع را با فرمان ممنوع کرده است.

دوم اینکه نخست‌وزیر سابق بریتانیا، بوریس جانسون، به‌عنوان سگ دست‌آموز واشنگتن برای جلوگیری از توافق صلح بین روسیه و اوکراین یک سال و نیم پیش مداخله کرد.

سوم اینکه مشکلات در اوکراین در سال ۲۰۱۳ آغاز شد، زمانی که رئیس‌جمهور وقت اوکراین یک توافقنامه مشارکت با اتحادیه اروپا را رد کرد، زیرا این امر منجر به بسته شدن مرز تجاری با مهم‌ترین شریک روسیه می‌شد، زیرا مسکو از سیل شدن محصولات اتحادیه اروپا به اوکراین می‌ترسید. آلمان در صورت تمایل می‌تواند تنها خط لوله باقی‌مانده نورد استریم ۲ را فوراً افتتاح کند و بدین ترتیب فشار براقصا و مردم خود را که از کمبود گاز ارزان روسیه رنج می‌برند، کاهش دهد اما برلین هنوز هم این کار را انجام نمی‌دهد.

چهارم اینکه روسیه هیچ تلاشی برای توسعه ارضی ندارد، فقط می‌خواهد سلاح‌ها به اوکراین و به دست نئونازی‌هایی که نیازی به پایبندی به قوانین اوکراین ندارند، سرازیر نشود.

و تنها دلیلی که روسیه تا به حال به لهستان یا هر بخش دیگری

از اروپا حمله می‌کند این است که اگر روسیه مورد حمله قرار گیرد. کارلسون در پایان برای آزادی ایوان گرشکویچ، خبرنگار وال‌استریت ژورنال که به جرم جاسوسی در مسکو زندانی است، لابی کرد پوتین گفت: «من نمی‌دانم او برای چه کسی کار می‌کرد. اما می‌خواهم دوباره تأکید کنم که جمع‌آوری مخفیانه اطلاعات طبقه‌بندی شده جاسوسی نامیده می‌شود. و او برای سرویس‌های ویژه ایالات متحده یا سایر آژانس‌ها کار می‌کرد.» در طول جنگ سرد، کمیته چرچ در واشنگتن در جلسات استماع خود دریافت که ده‌ها روزنامه‌نگار آمریکایی به‌عنوان جاسوس برای سیا استخدام شده بودند.

این یک روش راحت برای جاسوسان است که آنچه را که نیاز دارند به دست آورند، در حالی که شخص دیگری را در معرض خطر قرار می‌دهند، و فعالیت‌ها می‌تواند شبیه به هم باشد. تفاوت در این است که چه کسی فعالیت‌ها را هدایت می‌کند (یک شرکت رسانه‌ای یا دولت) و مصرف‌کننده نهایی کیست (یک آژانس جاسوسی یا مردم). و این روشی است که هنوز هم امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد، همانطور که بسیاری از روزنامه‌نگارانی که در خارج از کشور کار کرده‌اند می‌توانند تأیید کنند.

این یک رویه تاسف‌بار است که سازمان‌های غیر دولتی بارها و بارها از دولت‌ها خواسته‌اند آن را متوقف کنند. پوتین بدون ارائه جزئیات بیشتر، اشاره کرد که دقیقاً این مورد در اینجا صدق می‌کند و این موضوع بین سرویس‌های آمریکایی و روسی حل و فصل خواهد شد. این دقیقاً همان تصویری واضحی نیست که به مردم غرب ارائه می‌شود.

بطور خلاصه نکات زیر مهمترین مسائل سیاسی بود که توسط پوتین طرح شد و نقش مخرب و جنگ‌طلبانه غرب در ایجاد این بحران و از طرفی طرح و چشم‌انداز راه حل روسیه برای صلح و تنش‌زدایی را بصورت شفاف بیان کرد:

ما چند بار با دولت آمریکا بر سر پایان دادن به حمایت نظامی از اوکراین و اجرای توافق‌نامه مینسک گفت‌وگو کردیم، اما آن‌ها نپذیرفتند.

ما هنوز به هدف‌هایمان در عملیات نظامی ویژه در اوکراین، از جمله ریشه‌کن کردن نازیسم، نرسیده‌ایم...

پس از استقلال اوکراین، تلاش برای هویت‌بخشی به دولت آغاز شد و آن‌ها تصمیم گرفتند افرادی را که با هیتلر همکاری می‌کردند به‌عنوان نمادهای ملی انتخاب کنند.

آن‌ها افرادی مانند باندرا را که با نازی‌ها همکاری می‌کرد نماد ملی کردند و از آن‌ها تجلیل کردند.

در کانادا مردی را به پارلمان آوردند که ادعای عجیبی کرده و گفته که در جنگ جهانی دوم با روس‌ها جنگیده است

فرد نازی‌ای که آن مرد را به پارلمان کانادا معرفی کرده و آورده بود ایستاد و او را تشویق کرد.

افراد دیگری که افکار نازی دارند باید کنار گذاشته شوند.

روسیه پیشنهادی درباره توقف ارسال تسلیحات به اوکراین به

آمریکا ارائه خواهد کرد.

مذاکرات صلح با غرب انجام شد و به مراحل پیشرفته‌ای رسید و زمانی که نیروهایمان را از کی‌یف بیرون بردیم، غرب از توافقی‌ها روی بر گرداند.

پیش از شروع عملیات نظامی [در اوکراین]، در صحبتی که آن زمان با بایدن داشتیم به او گفتیم که شما با حمایت تسلیحاتی از اوکراین مرتکب یک اشتباه بزرگ تاریخی شدید. لازم نیست آمریکا در اوکراین بجنگد و بهتر است با روسیه به توافقی برسد.

غرب باید تحویل سلاح به اوکراین را متوقف کند و [آن وقت] این موضوع ظرف چند هفته حل و فصل خواهد شد. افراد باهوشی هستند که خوب می‌دانند که متهم کردن روسیه به حمله به ناتو فقط ادعایی ساختگی است. روسیه در ساختن سلاح‌های مافوق صوت از آمریکا پیشی گرفت.

هدف غرب تضعیف روسیه تا حد امکان است.

من نمی‌فهمم چرا سربازان آمریکایی هزاران کیلومتر دورتر از کشورشان باید در اوکراین بجنگند جورج بوش جونیور [پس] بدتر از دیگر سیاستمداران آمریکایی یا روسی یا اروپایی نبود و می‌دانست که چه می‌کند.

سهام دلار در مبادلات تجاری خارجی روسیه به ۱۳ درصد کاهش یافت و سهم یوآن بیشتر شده و به ۳۴ درصد رسیده است قبلاً سهم دلار در معاملات تجاری با شرکایمان ۵۱ درصد بود، اما این سهم اکنون به ۱۳ درصد کاهش یافته است آمریکا غیر از جنگ در اوکراین مسائل زیادی دارد. کسی که خط لوله انتقال گاز شمال [نورد استریم] را منفجر کرد همان کسی است که توانایی انجام این کار را دارد و از آن سود می‌برد.

هنگام تحقیق در مورد بمب‌گذاری‌های «نورد استریم»، نه تنها باید در جست‌وجوی طرفی بود که نفعی از این موضوع می‌برد، بلکه باید طرفی با پیدا کرد که قادر به این کار نیز باشد.

برای تمام دنیا مشخص شده است که چه بر سر خطوط لوله «نورد استریم» آمده است.

آلمان [سیاستش را] بر اساس منافع جمعی غرب پیش می‌برد، نه منافع آلمان. ز این رو، نمی‌توان وضع آن را درک کرد آلمان پول و تسلیحات اوکراین را تامین می‌کند و [از این لحاظ] بعد از آمریکا در جایگاه دوم قرار دارد.

جهان باید متحد شود و امنیت همه را تامین کند و فقط در خدمت یک طرف نباشد.

تهدیدهای آمریکا علیه کریمه اشتباه سیاسی بزرگی است در حال حاضر حتی متحدان آمریکا ذخایر دلاری‌شان را دارند کاهش می‌دهند ما و چین همسایه‌ایم و قرن‌ها است که همزیستی داریم و سیاست خارجی پکن تهاجمی نیست.

همکاری چین با اروپا بیش از همکاری چین با ما در حال رشد است و محدودیت همکاری اروپا با چین به آن‌ها [اروپا] آسیب خواهد رساند میزان مبادلات تجاری بین دو کشور [چین و روسیه] از ۲۳۰ میلیارد دلار فراتر رفته است چین به اقتصاد شماره یک جهان تبدیل شده و مدت‌ها است که از آمریکا پیشی گرفته است

آمریکا از جدایی‌طلبان در قفقاز حمایت می‌کرد و به تروریست‌ها سلاح می‌داد.

آمریکا کشوری پیچیده و به سرعت در حال دگرگونی است آمریکا کشور پیچیده‌ای است و به راحتی نمی‌توان تشخیص داد که چه کسی در آن تصمیم می‌گیرد.

آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی علیه روسیه سیاست تحریمی در پیش گرفت.

آمریکا در تلاش است که روسیه را به موجودیت‌های [سرزمین‌های مستقل] کوچک‌تری تقسیم کند تا از آن علیه چین استفاده کند

مخالفان روسیه می‌خواهند با دولت روسیه مذاکره کنند، اما نمی‌دانند چگونه ما پیشنهاد دادیم که با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز به راه‌حلی در مورد اوکراین برسیم، اما کسی به حرف ما گوش نکرد و آن‌ها به حمله به روس‌ها ادامه دادند.

آمریکا می‌کوشد که با استفاده از زور خودش را با جهان در حال تغییر وفق دهد ولودیمیر زلنسکی به رای‌دهندگان اوکراینی وعده داد که صلح برقرار کند، اما وقتی به قدرت رسید، به این وعده پشت کرد زلنسکی خودش را رئیس‌جمهوری اوکراین می‌داند، اما فقط کاری را می‌کند که آمریکا می‌گوید ما مذاکره با اوکراین را رد نمی‌کنیم، اما زلنسکی ممنوعیت مذاکره با روسیه را اعمال کرده است

آخرین باری را که با جو بایدن صحبت کردم به یاد نمی‌آورم، اما این گفت‌وگو پیش از عملیات نظامی روسیه در اوکراین بود بوریس جانسون اوکراین را متقاعد کرد که به جنگ ادامه دهد و از مذاکرات استانبول خارج شود.

سعی می‌کنیم آینده‌ای روشن بر اساس آداب و رسوم و ارزش‌های خانوادگی برای کودکان بسازیم

حقوق بین‌الملل اکنون نیاز به اصلاحاتی دارد، زیرا موازنه قوا در جهان تغییر کرده است فرهنگ ما برخلاف تمدن غرب که بیشتر عمل‌گرایانه است بر روح روسی استوار است رشد انسانیت با رشد روانی آغاز می‌شود.

در مورد هوش مصنوعی و سازوکارهای استفاده از آن باید به توافقی جهانی برسیم ما به آمریکا حسن‌نیت زیادی نشان داده‌ایم، اما هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ایم.

استفاده ابزاری از دلار در مناقشات سیاسی یکی از بزرگ‌ترین اشتباه‌های راهبردی رهبری آمریکا است.

تعاریف در مورد جاسوس‌ها متفاوت است، اما به دست آوردن اطلاعات محرمانه جاسوسی است.

پیروز شدن در جنگ تبلیغاتی علیه آمریکا سخت است، زیرا این کشور تمام رسانه‌های جهان را در اختیار دارد.

ایوان گرشکوویچ [خبرنگار آمریکایی وال استریت ژورنال] ممکن است از طریق مذاکره میان نهادهای ویژه آزاد شود ما مذاکره را رد نمی‌کنیم، اما اوکراین درخواست آمریکا را اجرا می‌کند و آماده پایان دادن به جنگ نیست.*

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

مقامات روسی را برانگیخت. سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، ماریا زاخارووا حضور دیپلمات‌های آمریکایی و غربی را افشا کننده نقشه شوم آمریکا و غرب عنوان کرد و گفت اقدام این دیپلمات‌ها آشکارا نشان می‌دهد که آمریکا و کشورهای اروپایی بدنبال اجرای طرح‌های وقیحانه، از جمله به راه انداختن انقلاب رنگی در روسیه هستند. حضور دیپلمات‌های آمریکایی، انگلیسی، اتریشی، سوئیسی، بلغاری، لهستانی، لتونی و کانادایی در جلسه دادگاه، مداخله آشکار در امور داخلی روسیه و نقض قواعد بین‌المللی است. این دیپلمات‌ها با هدف فشار و تاثیرگذاری بر رای و نظر قاضی صورت گرفته و از اهداف پلید آمریکا و غرب حکایت دارد.»

نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات الکسی ناوالنی عصر امروز برگزار شد و قرار است رای دادگاه بزودی اعلام شود. کلاهبرداری، اختلاس، اقدامات ضد امنیتی، همکاری با سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و تشویق جوانان به شورش و ناآرامی از اتهامات این الکسی ناوالنی است. طی ساعات اخیر ینس استوتنبرگ، دبیرکل ناتو، ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین، ریشی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس، اولاف شولتس، صدراعظم آلمان و برخی مقامات آمریکایی، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه را مسئول مرگ ناوالنی دانسته‌اند و از مرگ عنصر مزدور و نژادپرست خود ابراز تاسف کردند. روسیه در قبال جنجال‌های غرب اعلام کرد که واکنش‌ها به مرگ ناوالنی «از قبل آماده شده بود». پایان سخن اینکه غرب مدتهاست جنگ را در اوکراین باخته و امروز با توسل به هر وسیله‌ای بدنبال ادامه تحریک و توطئه علیه روسیه است.

حمایت هیستریک از یک نئونازی

غرب می‌داند از چه کسی و چه خطی در روسیه دفاع کند. الکسی ناوالنی که به اتهام افراط‌گرایی و دامن زدن به جنگ داخلی بنف ناتو و آمریکا بازداشت شده بود، سابقه‌ای طولانی در موضع‌گیری و رفتارهای راسیستی و فاشیستی داشت. او مرتباً در «راهپیمایی روسیه» که توسط گروه‌های نئونازی ممنوعه مانند «اتحادیه اسلاو»، سازماندهی می‌شد، شرکت می‌کرد. خبرنگاران بارها از ناوالنی در مورد شرکتش در صف تظاهرات نئوفاشیست‌ها و نئونازیها پرسیدند، اما پاسخش روشن بود. «ما همه علیه پوتین و باند او هستیم!» «ما منافع مشترک برای سرنگونی حکومت فاسد او داریم» برای غرب نفوذ در روسیه، پاشاندن آن و گرفتن کنترل منابع انرژی و قطع روابط استراتژیک این کشور با چین بعنوان یکی از مهم‌ترین رقیبان آمریکا در عرصه جهانی مورد هدف است. نظم چند قطبی هر روز بیشتر در عرصه جهانی بعنوان یک واقعیت خودنمایی می‌کند و تلاش‌های آمریکا برای درهم شکستن این نظم با شکست روبرو شده است.

حمایت یکپارچه غرب از ناوالنی همدست نئونازیها و مجری انقلاب مخملی در روسیه را باید در متن نزاع جهانی و آخرین دست و پا زدن‌های آمریکای در حال افول مورد تبیین قرارداد *



حمایت هیستریک از یک نئونازی

الکسی ناوالنی، چهره «انقلاب مخملی» هوادار غرب و نژادپرست مخالف دولت روسیه، در زندان واقع در مرکز این کشور پس از آن که حین پیاده‌روی احساس ناخوشی کرد، مرد. مقامات محلی روسیه اعلام کردند تحقیقات در باره علت دقیق مرگ وی همچنان ادامه دارد. اما رسانه‌های غربی بلافاصله «اسناد آماده شده» مرگ وی را از کشوی میزبان بیرون کشیدند و حملات خود را در پاسخ و انتقام به مصاحبه جنجالی پوتین با خبرنگار آمریکایی که نگاه بیش از ۱۸۰ میلیون شهروند آمریکایی را به خود جلب نمود، آغاز کردند. از قضا مرگ ناگهانی و مشکوک ناوالنی یک موهبت الهی برای پنتاگون بود!

سرویس فدرال زندان‌ها در منطقه خودمختار یامال-نتس روز جمعه در بیانیه‌ای اعلام کرد که ناوالنی ۴۷ ساله که به اتهام کلاهبرداری و چندین مورد دیگر در حال گذراندن حکم خود در یک مرکز اصلاح و تربیت بود، پس از پیاده روی «حالش بهم خورد» و بلافاصله هوشیاری خود را از دست داد.

مسئولان گفتند که بلافاصله با پزشکان و آمبولانس تماس گرفته شد. «تمام اقدامات احیای ضروری انجام شد، اما آنها نتیجه مثبتی نداشتند. پزشکان اورژانس مرگ محکوم را تایید کردند.»

سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در نشست مشترک خبری با رئیس سازمان امنیت و همکاری اروپا در مسکو افزود: «با وجود درخواست‌های مکرر روسیه، آلمان تاکنون حاضر نشده اسناد مدارک مربوط به علت مسموم شدن الکسی ناوالنی را در اختیار مسکو قرار دهد.»

لاوروف با انتقاد شدید از مداخله آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در امور داخلی روسیه گفت:

«فردی که به اتهام کلاهبرداری، اقدامات ضد امنیتی و اختلاس در حال محاکمه در دادگاه‌های روسیه است، از سوی آمریکا و غرب مورد حمایت قرار می‌گیرد و سفارتخانه‌های غربی در مسکو، مردم را به شورش و تجمع دعوت می‌کنند.» در همین حال نخستین دادگاه علنی بررسی اتهامات الکسی ناوالنی، عصر امروز با حضور و کلای متهم و نمایندگان رسانه‌های دسته جمعی در مسکو برگزار شد. حضور بیش از ۲۰ نفر از دیپلمات‌های آمریکایی و اروپایی در جلسه دادگاه الکسی ناوالنی خشم



یکی از دستاوردهای مهم "توفان الاقصی"

مقاله‌ای که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد سخنرانی دکتر آزاده ثبوت در رابطه با همبستگی مردم ایرلند با فلسطین در کلاب هاوس است که محمد جواد محمد حسینی زحمت تنظیم آن را بعهدہ گرفته است. هئیت تحریر به توفان الکترونیکی بخاطر طرح نکات صحیح و آموزنده در این مقاله آن را مجدداً اصلاح و تنظیم و در دوبخش انتشار می‌دهد. به این امید که برای خوانندگان عزیز مفید افتد.

هئیت تحریریه

بخش یکم

توفان الاقصی دستاوردهای زیادی به بار آورد. یکی از دستاوردهای توفان الاقصی - در کنار بسیاری از دستاوردهای این هم آوردی حماس با دولت اسرائیل - این بود که بسیاری از احزاب، سازمان‌ها، افراد و حتی دولت‌ها، خود را موظف دیدند که بر خلاف بسیاری از نیروهای استعماری و امپریالیستی پشتیبان و یاور اسرائیل، یا به محکوم کردن عمل «تروریستی» حماس، دست نیازند و یا اینکه در عین «محکوم کردن کشتار غیرنظامیان اسرائیلی از سوی حماس»!!، به صورت چکی از اسرائیل و «حق دفاع از حاکمیت» وی به پشتیبانی برنخیزند، بلکه علل و ریشه‌های تاریخی که باعث بوجود آمدن چنین شرایطی گشته است را ردیابی و تجزیه و تحلیل کنند. هر انسان صادقی که تاریخ تکامل اسرائیل و نابودی تدریجی خلق فلسطین را دنبال کرده و می‌کند، ممکن نیست که تنها با «تروریست» و اسلام‌گرای رادیکال «خواندن حماس و جبهه مقاومت فلسطین آن‌ها را محکوم کرده و از اسرائیل و جنایات وحشیانه‌اش به دفاع برخیزد. هیچ انسان شرافتمندی نه می‌تواند و نه باید به‌صرف اینکه دولت فاشیستی هیتلر میلیون‌ها یهودی را سر به‌نیست کرده است، امروز بدون چون و چرا حامی اسرائیل، یا تمام جنایاتی که طی دوران حیاتش مرتکب شده و هنوز هم می‌شود باشد، کاری که سردمداران دولت‌ها و سیاستمداران ریاکار، استعمارگر و استثمارگر غرب به‌ویژه آلمان که داغ ننگ فاشیسم هیتلری را کماکان بر پیشانی خود حس می‌کند،

انجام می‌دهند.

صهیونیستها که استعمار پیر بریتانیا از سال ۱۹۱۷، بعد از شکست امپراطوری عثمانی آن‌ها را به تدریج به فلسطین کوچ داد، ابتدا یک بار به زور ۳۰۰ روستا را غصب و ساکنین عرب آن را یا کشتند، یا به زندان انداختند و یا آواره کردند و بعدها در سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۸ همین بلا را بر سر ۵۰۰ روستا و ساکنین بومی دیگر آوردند. آن‌ها در آن دوران قریب به ۸۰۰ هزار فلسطینی را یا کشتند یا به اسارت گرفتند و یا آواره ساختند. این شیوه یک پروژه استعماری ناتمام است که نه تنها در مقاطع ۱۹۱۷-۸۰۰، ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۸ و یا ۱۹۶۷ به پایان نرسید بلکه کماکان با شیوه‌های جنایتکارانه و سبک و سیاق‌های جدید ادامه دارد.

برخورد صهیونیست‌ها نسبت به فلسطینی‌های ساکن این دیار تنها یک جنگ نیست بلکه یک نسل‌کشی و پاکسازی قومی تمام‌عیار و طویل‌مدت است. آپارتاید یک امر ثبت شده در اسرائیل است تا بتوان فلسطینی‌های بومی را سرکوب کرد تا هیچگونه امکان همبستگی بین آن‌ها به‌وجود نیاید.

در زمان اعلام رسمی اشغال فلسطین و ایجاد کشور اسرائیل قرار بر این بود که یهودیان در مناطقی که سازمان ملل تصویب کرده بود و ۵۵٪ از خاک فلسطین را تشکیل می‌داد ساکن شوند. اما همانگونه که قبلاً اشاره رفت در اثر جنگها و تجاوزات متعدد اسرائیل، بویژه در ۱۹۴۸ مناطق اشغالی به ۷۸ درصد رسید. و بالاخره در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ بخش شرقی اورشلیم، نوار غزه، کرانه باختری رود اردن، شهر «قنبره»، صحرای سینا و بلندی‌های جولان در سوریه نیز به اشغال آن‌ها در آمد. به‌قسمی که هم‌اکنون تنها ۱۵٪ از سرزمین فلسطین شامل نوار غزه و بخش‌هایی از کرانه باختری در اختیار فلسطینی‌ها باقی‌مانده است. طی این مدت قریب به ۶ میلیون فلسطینی نیز از سرزمین خود اخراج شده‌اند. هدف صهیونیست‌ها از اشغال فلسطین ایجاد یک اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است که خدا به آن‌ها، به‌عنوان یک قوم برتر بخشیده است.

در رابطه با عملکرد ننگین استعمار، استثمار و صهیونیسم در فلسطین بد نیست به اهم نکات یک سخنرانی جالب از خانم «آزاده ثبوت» در ادامه اشاره کنیم. خانم «آزاده ثبوت» پژوهشگر عدالت انتقالی و مطالعات صلح دانشگاه «کوئینز بلفاست» در ایرلند شمالی، در تاریخ ۲۹ دی ۱۴۰۲ در شبکه اجتماعی «کلاب هاوس» طی نشست تحت عنوان «صد روز پس از ۱۰۰ سال همبستگی‌های بین‌المللی و مبارزه فلسطین» سخنرانی جالبی عرضه کرد. او گفت: «من سالهای طولانی در اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان تحقیق کردم و مطالعه میدانی و کار عملیاتی انجام دادم. بنابر این ... تجربه‌های زمینه‌ای من در اردوگاه‌ها و سرنوشت‌های آوارگان فلسطینی در ذهن من هست. تلاش من این است که ... جهان ذهنی و مادی انسان فلسطینی ساکن اردوگاه‌ها و ساکن تبعید در جغرافیای تبعید را ارائه کنم. ... دغدغه اصلی من ... این بوده که چرا صدای پژوهشگران فلسطین شنیده نمی‌شود؟ چرا بسیاری از مفسران به‌خود زحمت نمی‌دهند که از روایت‌های فلسطینی استفاده کنند؟ بخشی از غفلت‌ها ناآگاهانه و بخشی از آن کاملاً عامدانه است و هدف آن سلب روایتگری از فلسطینی‌هاست، همان چیزی که ادوارد سعید در اوائل قرن ۲۱ بدان اشاره کرد.

آغاز قصه پر غصه فلسطین



آمریکا و بازوی نظامی اش، ناتو فعالانه از کودتای مسلحانه غیر قانونی در اوکراین در ۲۰۱۴ حمایت کردند. بحران کنونی ادامه چنین سیاست مداخله جویانه و فاشیستی است

دو سال از آغاز نبرد روسیه علیه متجاوزین ناتوی که پشت رئیس‌جمهور دلچک اوکراین سنگر گرفته‌اند می‌گذرد. مداخله غرب و در راسش آمریکا در اوکراین برای حفظ هژمونی آمریکا، حفظ موقعیت دلار و نظم تک قطبی جهان که از سال ۲۰۱۴ آغاز گردید امروز با شکست روبرو شده است. نوامبر سال ۲۰۱۳ ویکتور یانوکوویچ رئیس‌جمهور منتخب وقت اوکراین گفت و گوها برای امضای توافق تجاری و سیاسی با اتحادیه اروپا را تعلیق می‌کند و مخالفت خود را برای عضویت در ناتو ابراز می‌دارد و این بهانه‌ای می‌شود برای آغاز اعتراضات ضد دولتی طرفداران حامی اتحادیه اروپا و ناتو که اغلب در غرب این کشور ساکن هستند. با بالا گرفتن اعتراضات که ده‌ها کشته برجا می‌گذارد و در خطر قرار گرفتن جان رئیس‌جمهور، یانوکوویچ ۲۲ فوریه سال ۲۰۱۴ مجبور به فرار از کشور می‌شود و با فرار او معترضان دولت را در دست می‌گیرند و پارلمان در همان روز وی را خلع می‌کند. یانوکوویچ این اقدام را غیرقانونی می‌خواند و از روسیه درخواست کمک می‌کند و مسکو هم این اقدام را در حالی که مقامات دولتی و مخالفان در اوکراین به توافق دست یافته بودند، کودتایی علیه قانون اساسی می‌خواند و دولت موقت را به رسمیت نمی‌شناسد. در ادامه، این بحران وارد مرحله جدیدی می‌شود و ساکنان مناطق شرقی و جنوبی و شبه جزیره کریمه که رئیس‌جمهور منتخب خود را عزل شده می‌بینند و مخالف نفوذ غرب در کشورشان هستند، شروع به اعتراض و مخالفت با دولت موقت مرکزی می‌کنند که در نهایت وضعیت کریمه در جنوب اوکراین به همه‌پرسی

از سال ۱۹۱۷ آغاز می‌کنم. نیروهای استعماری همیشه می‌خواهند تاریخ از لحظه‌ای آغاز شود که متحدانشان مورد حمله قرار می‌گیرند، تا بتوانند اثرات انباشته ظلم، تحقیر و تجاوز را نادیده بگیرند. اینجاست که انتخاب نقطه زمان آغازین برای پژوهشگران بسیار مهم می‌شود و می‌تواند بر تمام تاریخ مورد نگارش اثر بگذارد.

سال ۱۹۱۷ در اثر تجزیه امپراتوری عثمانی، وزیر امور خارجه بریتانیا «آرتور بالفور»، قول می‌دهد یک خانه ملی برای مردم یهودی در فلسطین ایجاد کند. بریتانیا در سال ۱۹۱۷ فلسطین را عملاً اشغال می‌کند و تا سال ۱۹۴۸، یعنی سال تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین باقی می‌ماند.

ثبوت ادامه می‌دهد: سیاست‌های استعماری بریتانیا به واگذاری زمین به ثروتمندانی که اغلب خارج از فلسطین بودند منجر می‌شود. با این فرایند حدود ۳۰٪ از فلسطینی‌ها بی‌زمین می‌شوند. دولت بریتانیا ... سیاست‌های مالیاتی هم وضع می‌کند تا هم منبعی برای هزینه‌های دولت بریتانیا باشد و هم حمایت از مهاجرت یهودی‌ها و احداث شهرک‌ها. ... بسیاری از فلسطینی‌ها زمینهایشان را از دست می‌دهند و نیمی از نیروی کار مرد روستایی ... به‌عنوان کارگر مزدبگیر در خارج از روستای خودشان در پروژه‌های ساختمانی و جاده‌ای مشغول می‌شوند. قبل از سال ۱۹۲۹ که قیام مهم «براق» در بیت‌المقدس رخ می‌دهد، شورش‌هایی علیه دولت بریتانیا در اوایل سال ۱۹۲۰ اتفاق افتاد. مثلاً بادیه نشینان و مسیحیان قیام‌هایی انجام دادند. مسیحیان به شهرک‌های یهودی واقع در بیت‌المقدس حمله کردند و با نیروهای ارتش بریتانیا درگیر شدند.

خانم ثبوت با اشاره به اینکه: نقش مسیحیان فلسطینی در مبارزات ضد استعماری مغفول مانده است گفت: «جرج حبش مؤسس جبهه مردمی برای خلق فلسطین دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی، یک مسیحی فلسطینی بود.»

او سپس به مبارزات ضد استعماری دهه ۳۰ پرداخت: «در این سالها زنان نقش کلیدی در مبارزه با اشغالگری بریتانیا داشتند. چند ماه بعد از «قیام براق»، اولین کنگره زنان عرب در اکتبر ۱۹۲۹ تشکیل شد. ۲۰۰ زن فلسطینی در بیت‌المقدس گرد هم آمدند و بیانیه‌ای در مخالفت با اعلامیه بالفور صادر کردند و آن را تقدیم کمیسر عالی بریتانیا کردند.»

خانم ماتیل مغنتم، مورخ و فمینیست مسیحی فلسطین، در کتابی که در سال ۱۹۳۷ منتشر کرد به توصیف کشتار بی‌رحمانه فلسطینی‌ها توسط نیروهای بریتانیا پرداخت و نوشت: «صدها مرد به زندان فرستاده شدند و صدها خانه به‌طور بی‌رحمانه ویران شدند (همانگونه که امروز در غزه نابود می‌شوند) و صدها کودک یتیم شدند.» او کمیسر عالی بریتانیا را «بی‌رحم و تشنه به‌خون» معرفی کرد. **ادامه دارد**

**بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی
است!**



امپریالیسم جنایتکار آمریکا برای سومین بار قطعنامه برای برقراری آتش بس فوری و پایدار در غزه را وتو کرد

همانطور که قابل پیش‌بینی بود آمریکا بار دیگر قطعنامه پیشنهادی برقراری آتش بس فوری و پایدار در غزه را که این بار از سوی دولت الجزایر به نمایندگی از کشورهای گروه عربی در سازمان ملل ارائه شده بود، برغم کسب ۱۳ رای مثبت اعضای این شورا، وتو کرد. این قطعنامه ۱۳ رای مثبت شورای ۱۵ عضوی امنیت را کسب کرد، اما آمریکا با مخالفت با آن، موجب تصویب نشدن آن یا همان وتوی قطعنامه شد. انگلیس دیگر عضو شورای امنیت نیز به آن رای ممتنع داد. این سومین باری است که قطعنامه پیشنهادی برای برقراری آتش بس در غزه از سوی آمریکا وتو می‌شود. یک قطعنامه برای تصویب در شورای امنیت نیاز به ۹ رای بدون مخالفت یا همان وتوی پنج عضو دائم این شورا (آمریکا، انگلیس، روسیه، چین و فرانسه) دارد.

نماینده الجزایر در شورای امنیت سازمان ملل گفت: جان فلسطینیان مهم است. عمار بنجاما، سفیر و نماینده الجزایر در سازمان ملل پیش از رای گیری در باره قطعنامه پیشنهادی کشورش گفت که خواستار آتش بس، کمک‌های بشردوستانه بدون مانع و پابندی به دستورات دادگاه لاهه در جلوگیری از نسل کشی احتمالی در غزه است. وی گفت: ما ادعا می‌کنیم که سکوت گزینه مناسبی نیست. اعضای شورای امنیت مسئولیت دارند به اقداماتی که حامی صلح و امنیت بین‌المللی است رای دهند. «رای مثبت به این پیش نویس قطعنامه حمایت از حق زندگی فلسطینیان است. برعکس، مخالفت با آن به معنای تایید خشونت وحشیانه و مجازات دسته جمعی تحمیل شده به فلسطینیان است.» وی در ادامه جسورانه گفت:

رد این پیشنهاد به منزله «تایید گرسنگی به عنوان وسیله‌ای برای جنگ علیه صدها هزار فلسطینی» است. ما باید از خود پرسیم، چند انسان بیگناه دیگر باید قربانی شوند تا شورا آتش بس را ضروری بداند؟ جان فلسطینیان مهم است. هر کدام ما در مورد موضع خود در این

گذشته می‌شود و اکثریت رای به استقلال از اوکراین و الحاق به روسیه می‌دهند. از آن تاریخ به بعد، علیرغم آن که بیش از ۹۰ درصد ساکنان کریمه به پیوستن به روسیه رای دادند، آمریکا و غرب به این بهانه و برای عقب راندن مسکو، انواع تحریم‌های اقتصادی را علیه این کشور وضع کرده‌اند. این همان مداخله و جنگی علیه روسیه بود که آغاز شد. رئیس‌جمهور وقت اوکراین یانو کوویچ قبلاً همه خواسته‌های مخالفان را پذیرفته بود، حتی پذیرفته بود که استعفا دهد. در این صورت چه نیازی به خشونت و حمله مسلحانه و کشتار مردم بود؟ یانو کوویچ خواهان رابطه تجاری و دیپلماتیک با روسیه و غرب بود بدون عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا. بحران اوکراین که سرانجام به جنگ انجامید ادامه سیاست مداخله جوبانه و فاشیستی غرب به سرکردگی آمریکاست.

شکست ارتش اوکراین و مزدوران چندملیتی ناتو در برابر ارتش روسیه در طول دو سال گذشته با وجود کمک‌های بی‌سابقه و غیرقابل باور غرب موجب شده تا در پایان دومین سال شروع نبرد سرنوشت‌ساز قرن، کشورهای غربی به ویژه آن‌هایی که دشمنی و کینه بیشتری نسبت به روس‌ها دارند تلاش کنند تا سیل جدیدی از تسلیحات و تجهیزات را روانه اوکراین کنند، شاید این تسلیحات و تجهیزات جدید بتواند بهانه‌های رئیس‌جمهور گماشته و دلچک این کشور را بریده و کورسوی امیدی برای متعادل کردن میدان نبرد ایجاد کند. نبردی که در ۲۴ ماه خود با وجود هجمه سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی سرسام‌آور غرب هیچ دست‌آوردی برای اوکراین نداشته است. جنگی که در اوکراین در جریان است، جنگی میان نزدیک به ۳۰ کشور تحت رهبری امپریالیسم آمریکا، ارتش نئونازی آژوف و دولت مرکزی از یک سو و از سوی دیگر کشور روسیه است که برای امنیت و تمامیت ارضی‌اش می‌جنگد. دفاع و نبرد روسیه علیه جبهه ناتو و نتونازیه‌ها نبردی مشروع و عادلانه است، زیرا جهان را بسوی نظمی چند قطبی رهنمون خواهد ساخت. شکست ناتو تحت رهبری آمریکا در این جنگ بفتح خلق‌های جهان، بفتح نیروهای ضد فاشیست و ضد امپریالیست و صلح جهانی است. شکست جبهه ناتو محتوم است این شکست دیر یا زود رسماً رقم خواهد خورد و جز این نیز نخواهد بود.

چرا بازنده این جنگ اروپاست؟ به نقل از وال استریت ژورنال تسلیح مجدد اروپا و کمک‌های ایالات متحده به اوکراین منجر به بازگشت به زیرساخت‌های صنعتی دفاعی شده است. مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا شروع به دریافت سفارشات بزرگ جدید از پنتاگون و کشورهای اروپایی کرد. اروپا شروع به خرید گاز طبیعی از آمریکا به جای روسیه کرد، که منجر به تبدیل شدن آمریکا به بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی مایع LNG در جهان شد. صنعت نظامی آمریکا رشد تولید ۱۷.۵ درصدی را تجربه کرد که معادل ۲۰ سال رشد بود. بر اساس گزارش وزارت دفاع، از سپتامبر ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳، آمریکا ۸۰ میلیارد دلار از فروش تسلیحات به دست آورده است که ۵۰ میلیارد دلار آن از متحدان اروپایی بوده است از طرفی آمریکا به طور کامل زیرساخت‌های انرژی و دفاعی اروپا را به هم متصل کرده است. او توانست صنعت نظامی اروپا و همچنین صنایع سنگین اروپا را نابود کند و به خود وابسته کند.

نه به ناتو! زنده باد صلح

پناهندگان و حق بازگشت در جبهه خلق برای آزادی فلسطین هشدار می‌دهد که قحطی مردم ما را که در شمال نوار غزه محاصره شده‌اند، به‌ویژه کودکان را ویران می‌کند. در بحبوحه بمباران شدید مداوم، انجام قتل عام و فروپاشی سیستم‌های بهداشتی و خدماتی. جامعه بین‌المللی و نهادهای سازمان ملل متحد به‌طور کامل با اشغالگران و در جنگ قحطی سیستماتیک که علیه مردم ما در غزه به‌راه انداخته‌اند، شریکند. نوار غزه به‌ویژه شمال غزه که با فاجعه و قحطی بی‌سابقه‌ای مواجه است در روزهای اخیر به دلیل گرسنگی شدید، کمبود حاد کلسیم، آلودگی آب، فقدان تغذیه مناسب و مکمل‌های پزشکی منجر به مرگ جمعی از کودکان شده است. کمبود دارو و کمبود حداقل مواد غذایی ضروری مانند آرد، سبزیجات، غلات و غیره. شهروندان در آنجا مجبور به چرخ کردن خوراک دام و پختن گیاهان دارویی هستند و این عوارض خطرناک برای شهروندان مبتلا به بیماری‌های مزمن مانند قلبی، سرطان است. و بیماری‌های کلیوی که در بحبوحه قحطی شدید معالجه نمی‌شوند یا دارو دریافت نمی‌کنند. دفتر پناهندگی تأکید می‌کند که همدستی آمریکا و غرب و سکوت بین‌المللی و اعراب، اشغالگران را تشویق به ادامه جنگ تجاوزکارانه و قحطی علیه مردم ما به‌ویژه در نوار شمالی کرده و شاهد جنایاتی که در تاریخ بی‌نظیر است هستیم. کسانی که در اثر موشک‌ها، گلوله‌ها و گلوله‌های اشغالگر کشته نشده‌اند، به‌سرنوشت گرسنگی و بیماری دچار شده‌اند.

دفتر امور پناهندگی از مردم آزاده جهان می‌خواهد تا فوراً در همه‌سطوح وارد عمل شوند، در میداين و در مقابل نهادهای بین‌المللی و محاصره سفارتخانه‌ها تجاوزات صهیونیستی، آمریکایی و غربی برای فشار برای توقف تجاوز و جنگ قحطی، اجازه ورود کمک‌های عاجل به مناطق شمال نوار غزه و اجازه دادن به کمک‌های سازمان ملل متحد. و آژانس کاری برای آوارگان فلسطینی (UNRWA) برای ارائه کمک فوری به مردم ما که از گرسنگی رنج می‌برند، که در ۵۷ مرکز پناهگاه در شمال نوار غزه توزیع شده‌اند، در شمال غزه وارد عمل شوند. وزارت بهداشت تأکید می‌کند فرار «آنروا» از غزه و ترک مسئولیت هایش، درد و رنج مردم ما در این فاجعه وحشتناک تشدید شده است. دفتر امور پناهندگان در پایان تأکید می‌کند که اشغالگر صهیونیستی و شرکای آن در تجاوز یا کسانی که سهل‌انگار مابانه و همدست ارتش متجاوز هستند، بهای این جنایات شنيع را علیه کل مردم تحت‌سلطه خواهند پرداخت. دفتر امور پناهندگی تأکید می‌کند جنایت و نسل‌کشی و جنگ قحطی سیستماتیک، در شکستن اراده مردم ما یا پایبندی آنها به مقاومتی که علیه ماشین جنگی رژیم صهیونیستی استوار است علیرغم تباری جامعه جهانی، خللی بر آنها وارد نخواهد ساخت.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین دفتر امور پناهندگان و حق بازگشت.

(۱۹ فوریه ۲۰۲۴)

ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)*

فصل غم‌انگیز تاریخ تصمیم می‌گیریم. شورای امنیت نمی‌تواند در برابر درخواست آتش‌بس در غزه منفعل باشد. اما سفیر آمریکا از توی قطعنامه آتش‌بس فوری در غزه بی‌شمارانه دفاع کرد. لیندا توماس گرینفیلد، سفیر و نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل به‌رغم توی قطعنامه‌های آتش‌بس از سوی کشورش ریاکارانه مدعی شد: «غیر نظامیان باید محافظت شوند و به کمک‌های بشردوستانه دسترسی داشته باشند.» ژانگ جون، سفیر و نماینده دائم چین در سازمان ملل نیز گفت که «تنها با خاموش کردن شعله‌های جنگ در غزه می‌توانیم از تنش در سراسر منطقه جلوگیری کنیم.» سفیر چین در سازمان ملل، «صداقت الجزایر» را ستود و گفت: رای‌گیری اخیر «ناامیدی و نارضایتی» بوجود آورده است. توی آمریکا بار دیگر «پیام اشتباهی را ارسال می‌کند» و اجماع شورا را تضعیف می‌کند. نماینده چین با اشاره به مسئولیت حقوقی، اخلاقی و سیاسی برای برقراری آتش‌بس، تأکید کرد که اسرائیل باید هر طرحی برای حمله زمینی به‌رفح را کنار بگذارد. واسیلی نینزیا، سفیر و نماینده دائم روسیه در سازمان ملل نیز گفت: «هدف مشترک اعضا در توقف خونریزی در اسرع وقت است.»

دولت آمریکا با توی خویش بار دیگر ثابت کرد که عامل اصلی کشتار زنان و کودکان فلسطینی است. امپریالیسم آمریکا بدون اما و اگر در نسل‌کشی شنيع و ضد بشری غزه شریک است باید با ادامه اعتراضات خیابانی آتش‌بس را بر این جنایتکاران ضد بشر تحمیل کنیم.*

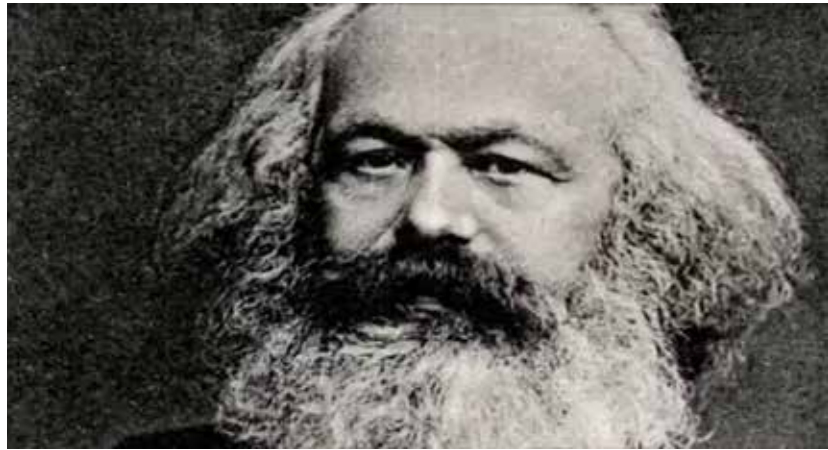


بیانیه «دفتر امور پناهندگان و حق بازگشت» جبهه خلق برای آزادی فلسطین

«جامعه بین‌المللی و نهادهای سازمان ملل متحد به‌طور کامل در این جنایت شریک هستند»

دفتر امور پناهندگان و حق بازگشت در جبهه خلق هشدار می‌دهد:

قحطی مردم ما را در شمال نوار غزه تهدید می‌کند. دفتر امور



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

رویز یونیسیم کهن و رویز یونیسیم معاصر (بخش پنجم)

میان رویز یونیسیم کهن و رویز یونیسیم معاصر وجوه تشابه بسیاری است. در واقع این دو در ماهیت و مضمون اساسی خود با یکدیگر اختلافی ندارند. علت آنست که شرایط پیدایش رویز یونیسیم و پایگاه اجتماعی آن در هر دو حال یکسان است. رویز یونیسیم‌ها در گذشته با تکیه بر «شرایط جدید تکامل اقتصادی» در یک رشته از اصول مارکسیسم تجدید نظر کرده و خصلت انقلابی آن را منتفی می‌ساختند، رویز یونیسیم معاصر نیز به بهانه تغییرات جهان پس از جنگ دوم جهانی نسبت به مارکسیسم لنینیسم همین شیوه را معمول داشته است. یک مقایسه مختصر و مجمل وجوه تشابه رویز یونیسیم معاصر را با رویز یونیسیم کهن بوضوح نشان می‌دهد.

برای رویز یونیسیم کهن «دیالکتیک انگلس» عرفان است، نظریات انگلس کهنه شده است» (لنین)

آنچه در رویز یونیسیم به چشم می‌خورد عبارتست از «طرد کامل ماتریالیسم دیالکتیک یعنی مارکسیسم». (لنین)

«اپورتونیست‌ها انقلاب سوسیالیستی را نفی کرده و بجای آن رفرمیسم بورژوائی را نشانیده‌اند، مبارزه طبقاتی را که ناگزیر باید در لحظه معینی به جنگ داخلی بیانجامد نفی کرده و همکاری طبقاتی را توصیه می‌کنند... آن‌ها خود را با مبارزه بامیلیتاریسم آنهم از نقطه نظر احساسات خرده بورژوائی محدود می‌نمایند بجای آن که به لزوم

جنگ انقلابی پرلترهای تمام کشورها علیه بورژوازی تمام کشورها معتقد باشند، آن‌ها لزوم استفاده از پارلمانتاریسم بورژوائی، قانونیت بورژوائی را قلب کرده و از این قانونیت شیئی مقدسی می‌سازند، فراموش می‌کنند که در دوران‌های بحرانی لازم است که به اشکال غیر قانونی سازمانی و تبلیغاتی توسل جست». (لنین)

رویز یونیسیم سیاست امپریالیسم را از اقتصاد آن منفک می‌سازد تا برای قبولاندن «خلع سلاح» راهی پیدا کند.

رویز یونیسیم بر آنست که هنگامی که در دموکراسی «آراء اکثریت» غالب می‌گردد گویا دیگر نمی‌توان دولت را بمثابه ارگان تسلط طبقاتی به شمار آورد و از اتحاد با بورژوازی مترقی و رفرمیست‌ها سر باز زد.

رویز یونیسیم مبارزه طبقات را تا دوران انتقال از سرمایه داری به کمونیسم، تا دوران سرنگونی و محو کامل بورژوازی نمی‌پذیرد. رویز یونیسیم این پندارواهی را تبلیغ می‌کند که از راه مسالمت آمیز و رفرمیستی می‌توان به سوسیالیسم رسید.

«رویز یونیسیم به توده‌ها اعتماد ندارد، از ابتکار و عمل مستقل آنان به وحشت می‌افتد و در برابر انرژی انقلابی آن‌ها بر خود می‌لرزد، بجای آن که کاملاً و بی قید و شرط بر آن تکیه زند» (لنین)

رویز یونیسیم انترناسیونالیسم پرلتری را نفی می‌کند و بجای آن ناسیونالیسم بورژوائی را می‌نشانند. این‌هاست برخی از خصوصیات رویز یونیسیم کهن آنطور که در آثار لنین آمده است.

اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری ۱۹۵۷ خصوصیات رویز یونیسیم معاصر را بشرح زیر می‌شمارد:

«رویز یونیسیم معاصر می‌کوشد آموزش گران‌بهای مارکسیسم لنینیسم را لکه دار کند و آن را کهنه شده اعلام دارد که گویا اکنون اهمیت خود را برای تکامل اجتماعی از دست داده است. رویز یونیسیم‌ها می‌خواهند روح انقلابی مارکسیسم را از آن بگیرند، اعتقاد و ایمان طبقه کارگر و مردم زحمتکش را به سوسیالیسم سلب نمایند. آن‌ها علیه ضرورت انقلاب پرلترائی و دیکتاتوری پرلترایا در دوران انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم برمی‌خیزند، نقش رهبری کننده حزب مارکسیستی لنینیستی را نفی می‌کنند، اصول انترناسیونالیسم پرلتری را نفی می‌کنند، انصراف از اصول لنینی ساختمان حزب و قبل از هر چیز انصراف از ساترالیسم دموکراتیک مورد مطالبه آن‌هاست. آن‌ها طلب می‌کنند که حزب کمونیست از یک سازمان انقلابی مبارز به چیزی همانند یک کلوب بحث تبدیل گردد».

اما اگر رویز یونیسیم معاصر در ماهیت و مضمون اساسی خود با رویز یونیسیم کهن اختلافی ندارد در اشکال، طرق مبارزه، طرز استدلال و شعارها با رویز یونیسیم کهن متفاوت است. این تفاوت ناشی از شرایط و مقتضیات زمان ماست.

ماهیت رویز یونیسیم معاصر چیزی جز همکاری طبقاتی، نفی مبارزه طبقاتی، نفی انقلاب، نفی دیکتاتوری پرلترایا و غیره نیست ولی اشکال بروز آن عبارت است از همزیستی مسالمت آمیز، امکان جلوگیری از هر جنگ، گذار مسالمت آمیز، مسابقه مسالمت آمیز شانناژ اتمی، آرایش امپریالیسم و ارتجاع و غیره*

چهارم، اعلام خوشامد به اوکراین و گرجستان به پیوستن به ناتو و تحریک این دو کشور با احساس قدرت کاذب در ۲۰۰۸ که به جنگ در گرجستان و جدایی دو منطقه خودمختار منجر شد؛ سپس در ۲۰۱۴ به کودتا و قدرت گرفتن نیروهای راست و فاشیستی و جنگ بر ضد مناطق روس زبان دنباس و لوهانسک منجر شد. **پنجم،** بی‌اعتنایی کامل به تمام تلاش‌های دیپلماتیک برای توجه به منافع امنیتی روسیه و برقراری روابط با منافع متقابل و برابر حقوق با آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو و تخریب حداکثری روابط دیپلماتیک و اقتصادی **ششم،** عدم انحلال ناتو پس از پایان جنگ سرد و تبدیل آن به پیمانی تهاجمی با حوزه عملکرد جهانی و تجاوزات یکجانبه به یوگسلاوی، افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، ...

هفتم، گسترش ناتو به شرق به سوی مرزهای روسیه یا افزودن لهستان، مجارستان و جمهوری چک در ۱۹۹۹؛ رومانی، بلغارستان، اسلواکی، استونی، لیتوانی، لاتویا، و اسلونی در ۲۰۰۴؛ آلبانی و کروواسی در ۲۰۰۹؛ مونته‌نگرو در ۲۰۱۷؛ و مقدونیه شمالی در ۲۰۲۰ و اخیراً پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو.... آنها که واقع‌گرایان برای صلح می‌تپد و نمی‌خواهند سربازان بی‌جیره و مواجب دیکتاتوری سرمایه‌مالی و پیمان تهاجمی و متجاوز ناتو باشند باید بدانند که مسئول اصلی و قطعی به خطر انداختن صلح جهانی آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا هستند و نمی‌خواهند با روسیه وارد مذاکره برای صلح و پایان این جنگ شوند. از نظر ما غرب به سرکردگی آمریکا در اوکراین شکست خورده است و آمریکا نمی‌خواهد این شکست را به پذیرد. آمریکا عملاً هژمونی‌اش را در جهان از دست داده و روبه‌افول است و نمی‌خواهد نظم جدید چند قطبی در جهان را به پذیرد. در شرایط کنونی امپریالیسم آمریکا یا باید با توسل به یک جنگ اتمی روسیه و چین را به زانو درآورد و سلطه بلامنازعش را بر سایر رقبا اعمال کند که با توجه به سلاح‌های اتمی بازدارنده‌ای که روسیه و چین دارند حداقل در شرایط امروزی امکان پذیر نیست. در چنین شرایطی با توجه به توازن قوای جهانی و عروج اقتصادی چین و نیروی نظامی روسیه و شکاف بین جنوب و شمال و تضعیف نفوذ غرب در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین، آمریکا چاره‌ای جز پذیرش نظم چند قطبی و به حساب آوردن قدرت‌های نوظهور چین و روسیه را ندارد. این امر بدان معنا نیست که آمریکا از صحنه سیاسی بعنوان یک قدرت امپریالیستی حذف می‌شود، خیر! امپریالیسم آمریکا بعنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی نیرومند باقی خواهد ماند، دلارش نیز نقش بازی خواهد کرد، نفوذ فرهنگی‌اش همچنان قدرتمند خواهد بود اما نقش یکه تاز سابقش را از دست خواهد داد و بازوان نیرومند اقتصادی‌اش در عرصه بانکی و مالی، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نقش گذشته‌شان را نخواهند داشت. ظهور بریکس و پیمان شانگهای و... جلوه‌ای از نظم جدید جهانی است. جنگ اوکراین و مداخله ناتو در این جنگ و همین‌طور تحریکات آمریکا در تایوان... را باید در چهارچوب آخرین دست و پا زدن‌های امپریالیسم آمریکا برای حفظ موقعیت هژمونی‌اش در جهان مورد تبیین قرارداد. از نظر حزب ما تضمین نهایی برای صلح در جهان استقرار سوسیالیسم است، اما این راهی طولانی است و باید با چنگ و دندان و با بسیج توده مردم صلح دوست جهان مانع جنگ شویم و زاهر قطره صلح و آرامش و حقوق دمکراتیک ملل و طبقه کارگر و زحمتکش‌شان حمایت نماییم. با ما در اتباط باشید. پیروز باشید*



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: با درود به دست اندرکاران حزب کار ایران. عاملان جنگ اوکراین چه کسانی هستند چرا روسیه جنگ را آغاز کرد و چگونه صلح برقرار خواهد شد، آیا این جنگ بزودی پایان خواهد گرفت؟ قدرت آمریکا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مضمون از شما. امضا. بجنورد. داریوش

پاسخ: دوست عزیز داریوش، تشکر از نامه تان. در هر جنگی باید علل و ریشه‌های آن را تحلیل کرد و عاملان اصلی جنگ را هدف قرارداد. در غیر این صورت ما همواره با جنگ روبرو خواهیم بود و صلح بی‌معنی می‌شود. علل جنگ در سال ۱۹۳۹ آلمان امپریالیستی بود و برای صلح می‌بایست فاشیسم و ماشین جنگی هتلر نابود میشد. امروز مسبب جنگ و ویرانی آمریکا و ناتو هستند و برای صلح باید ماشین جنگی و مخوف ناتو را تضعیف و نابود کرد.... علل جنگ اوکراین، که یک اقدام پیشگیرانه است از نظر حزب ما بطور مختصر چنین می‌باشد:

یکم، سخنرانی زلنسکی رئیس جمهوری اوکراین مبنی بر روی آوری به سلاح‌های اتمی پس از سرازیر کردن انواع سلاح‌های تهاجمی به اوکراین و تمرکز بیش از صد هزار نیرو و تجهیزات نظامی در خط آتش بس با مناطق خودمختار دنباس و لوهانسک و اعلام بازپس‌گیری این مناطق و حتی کریمه با تهاجم نظامی. این آزریر خطری بود برای روسیه. بی‌پاسخ‌گذاران و بی‌اعتنایی کامل به تقاضا و پیشنهادات مشخص روسیه برای توقف گسترش ناتو به شرق، تضمین عدم پیوستن اوکراین و سایر کشورها به ناتو، تضمین امنیت متقابل، خروج پایگاه‌های موشکی از کشورهای نزدیک مرز روسیه و احیای قراردادهای استراتژیک در مورد سلاح‌های اتمی و موشکی **دوم،** تغییر قانون اساسی اوکراین برای پیوستن به ناتو و ممنوعیت زبان روسی برای بیش از ۱۰ میلیون روس تبار و تعطیل کردن رسانه‌ها و مدارس روس زبان **سوم،** بی‌اعتنایی کامل به اجرای قرارداد چهار جانبه فرانسه، آلمان، اوکراین و جمهوری‌های خودمختار دنباس و لوهانسک با ضمانت و نظارت روسیه

خلاف باس عرفات (ساف)، مقاومت مسلحانه را برای آزادی ملت فلسطین ترجیح دادند. و این خواست ملت فلسطین بود و نه خواست اسلام گرایان. این عرفات بود که به خواست ملت فلسطین پشت کرده بود و سرانجام خود قربانی همین سیاست سازشکارانه شد.

حماس در سال ۲۰۰۶ با نفوذ گسترده توده‌ای که در میان مردم فلسطین کسب کرده بود در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک زیر نظر ناظران جهانی و از جمله اتحادیه اروپا پیروز شد. و کنترل نوار غزه را از جنگ فتح، سازمان سازشکار محمود عباس به در آورد. از آنجا که نتایج این انتخابات آزاد مورد تأیید لیبرالیسم بورژوائی و اپوزیسیون مزدور و «حقوق بشری» و مخالفان تئوری‌های اسرائیلی «اسلام سیاسی» نبود، همه ممالک ریاکار غربی از به رسمیت شناختن نماینده واقعی مردم فلسطین طفره رفتند. اپوزیسیون مزدور ایران هم اکنون هوادار محمود عباس مزدور، دست‌نشانده، غیرمنتخب، غاصب مقام ریاست جمهوری و عامل امپریالیسم و صهیونیسم است.

علل موفقیت حماس را که در بدو امر بخت بزرگی برای گسترش، نفوذ و احترام مردم فلسطین نداشت می‌توان در دو زمینه مورد بررسی قرار داد. حماس سازمانی بود که با قرارداد خائنه اسلو که هدفش نابودی جنبش فلسطین بود مانند همه نیروهای انقلابی و کمونیست جهان به مخالفت برخاست و هرگز توافقنامه ننگین میان یاسر عرفات و اسحاق رابین را به رسمیت نشناخت.

در این توافقنامه‌ی اسلو، (ساف) حق حیات اسرائیل، حق ادامه اشغال اسرائیل را به رسمیت شناخت و در عوض اسحاق رابین نیز پذیرفت که حرکتی به نام (ساف) وجود دارد که مذاکره با آنها را برای حفظ صلح تا روز قیامت برای مهار آنها بدون دادن کوچک‌ترین حقی به آنها برای زندگی در سرزمین فلسطین ادامه می‌دهد. این عبارت به آن مفهوم بود که جنبش ساف به انتها رسیده بود و تسلیم صهیونیسم می‌شد.

قرارداد اسلو در اجزاء آن حتی تا به امروز نیز در دسترس عموم نیست. این سند ننگین را هرگز ملت فلسطین نپذیرفت و در مخالفت با آن به مبارزه دست زد.

حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین، یاران جرج حبش تنها سازمان‌هایی بودند که با اتخاذ موضع درست سیاسی بر ضد قرارداد اسلو، مردم را بسیج کردند. و در این مبارزه رهبری مبارزات مردم فلسطین در عرصه سیاسی به عهده سازمان حماس قرار گرفت. در کنار این امر حماس توانست با ارائه خدمات اجتماعی، راه انداختن آشپزخانه عمومی برای یاری به مستضعفان، نفوذ در میان طبقات و افشار پائینی جامعه،



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: سلام به دوستان پر تلاش توفان. چند سؤال مهم در مورد فلسطین از جمله در مورد چگونگی کمک رسانی به مردم غزه، نقش حماس و طرح نظریه تشکیل دودولت دارم. چرا حماس رشد کرد و مطرح شد و آیا راهی جز پایان جنگ و تشکیل دودولت وجد دارد اگر نه تشکیل یک دولت به چه معنی است؟ با تشکر. استرالیا. اصغر. بهنام

پاسخ: درود بر شما و تشکر از نامه تان. سعی می‌کنیم بطور فشرده به پرسشتان پاسخ دهیم.

قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره کنیم که از آنجا که رهبری و مدیریت غزه در دست سازمان حماس قرار دارد تمام کمک‌های انسانی و خدماتی و بین‌المللی تا کنون بدون همکاری با سازمان حماس که عمده‌ترین تشکیلات و مورد اعتماد مردم هم است، غیر ممکن بوده است.

سازمان فلسطینی حماس در سرزمین فلسطین و با الهام از جنبش اخوان المسلمین و در سال ۱۹۸۷ تاسیس شد.

جنبش مردم فلسطین در هیچ دوره‌ای به «کمونیست» و یا «کارگری» و یا «سکولار» بودن این مبارزه مربوط نبوده بلکه جنبه ضد اشغال و ضد صهیونیستی و ضد استعماری آن نقش عمده‌ای داشته ایفا کرده است اما قدرت‌های غربی در حمایت از صهیونیسم تلاش کرده و می‌کنند تا بر جنبه اسلامی بودن آن تکیه کنند و با دامن زدن به اسلام هراسی و تروریستی نامیدن آن افکار عمومی را نسبت به جنبش ملی بدبین نمایند. سازمان حماس که ابتدا در مقابل سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به رهبری عرفات در اواخر دهه ۱۹۹۰ به علت سازشکاری یاسر عرفات و خیانتی که با انعقاد قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۳ صورت گرفت به طور فزاینده‌ای موجب اختلافات حماس و سازمان آزادیبخش فلسطین شد. حماس از همان بدو امر با توافقاتی که به صلح با اشغالگر منجر شود به مبارزه برخاست. آنها بر

تا اینکه یک جامعه سرزمینش تماما غصب شده باشد و یک ساختاری که اصلا نبوده به وجود بیاورند و چیزی که بوده را نادیده بگیرند و بعد شما از دو طرف بخواهید که بیایند آن جغرافیا را به دو بخش تقسیم کنند و بخشی را به دولت اسرائیل و بخشی را به دولت فلسطین بدهند. این راه حل مشکل هنجاری را حل نمی کند و با وجود اینکه در سالیان متمادی خیلی پیگیر بودند محقق شود تا الان بعد از نزدیک ۸۰ سال محقق نشده است. بنابراین این موضوع نشان می دهد که بعد هنجاری نیرومند است و چنین توافقی فراتر از کاغذ پیش نمی رود.

ایده ۲ دولتی در آغاز برای این نبود که دو دولت رسمی از فلسطین و اسرائیل شکل بگیرد، بلکه بر این اساس بود که فرصتی بگیریم و مسیر غیرمستقیمی برای حذف فلسطین ایجاد کنیم، یعنی از طریق ایده ۲ دولتی آن خصومت، تخاصم، جبهه بندی و مقاومت فلسطینیان را کند و امنیت را تامین و بعد از طریق به رسمیت شناختن کشورهای دیگر مشروعیت کسب کنیم و بعد در گام دوم سراغ حذف فلسطین برویم.

تجربه تاریخی آن هم این است. حذف به صورت غیرمستقیم تر و با پیچیدگی بیشتر و گرنه هیچ وقت اسرائیل یک دولت مستقل با همه آن اتوریت و حاکمیتی را نمی پذیرد که بتوانند فلسطینیان آن را اعمال کنند و مصون از سلطه دیگران باشند. با توجه به آنچه اشاره رفت امکان تشکیل دودولت یکی فلسطینی و دیگری صهیونیستی در کنار هم مدت ها ست شکست خورده است. بنظر حزب ما منطقی ترین راه حل اگر چه دشوار، الغای نظام صهیونیستی در سراسر سرزمین فلسطین که از سال ۱۹۴۸ بطور غیر قانونی دست به اشغال و تاراندن میلیونها فلسطینی زده و این اشغالگری و نسل کشی همچنان ادامه دارد. نظام صهیونیستی باید پایان گیرد و با نظارت سازمان ملل و یا ممالک غیر متعهد و مستقل، همه پرسی در سراسر فلسطین صورت گیرد. این همه پرسی باید با اجازه برگشت ۸ میلیون فلسطینی آواره همراه باشد. از طرفی میلیونها سکنه غیرقانونی که در خلال چندین دهه به فلسطین سرازیر شده اند باید به کشورهای خود برگردند. حکومتی که در بستر چنین همه پرسی شکل می گیرد باید بر اساس نفی استعمار، نفی صهیونیسم و نژاد پرستی و بر اصول برابری مذهب و قومیت و... باشد. در این صورت فلسطینی مسلمان، فلسطینی مسیحی و یهودی ... می توانند در نظام واحدی زیست کنند و آغازی برای زندگی مشترک. اگر چه نمی توان آفریقای جنوبی را با فلسطین مقایسه کرد اما تجربه خوبی برای الغای نظام نژاد پرستی و استعماری است که سرانجام سیاه و سفید در کنار هم زیست می کنند. و در فلسطین نیز باید بر اساس الغای نظام صهیونیستی و زیست فلسطینیان و یهودیان حل شود.... پیروز و تندرست باشید.*

و رسیدگی به مشکلات آنها از نفوذ قابل توجه توده ای برخوردار شود که این نفوذ الزاما محصول اعتقادات اسلامی هد هوادار حماس نبود. حماس به درد دل مردم می رسید.

یکی دیگر از مخالفت های حماس مخالفت با طرح پیشنهادی دو دولت بود که دست بر قضا اسرائیل نیز علیرغم توافق بر سر آن با ساف، در عمل خواهان برهم زدن این خواست بود و در این عرصه به طور عینی مبارزه حماس بر ضد طرح پیشنهادی دو دولت را به فال نیک گرفته و این ایده حماس را تبلیغ می کرد. از این گذشته عقاید مذهبی حماس در تناقض کامل با روحیه ملی گرایی مردم فلسطین و سازمان های انقلابی آنها قرار داشت و تقویت جنبه های مذهبی دیوارهای مبارزه ملی مبارزان فلسطین را سست می کرد. در این دو عرصه اندیشه های صهیونیستی با صبر و حوصله عمل می کردند و در تظاهر بیرونی یک نوع هماهنگی ایجاد شده بود که ایرانیان صهیونیست این پیشینه تاریخی را برای مقاصد خود ابزاری کرده اند تا مدعی شوند حماس را موساد به وجود آورده است. البته نقش مذهب در مبارزه مردم فلسطین به دوران حماس بر نمی گردد. قبل از رشد و پیروزی نهضت ملی آزادیبخش فلسطین نیز این جریان های مذهبی وجود داشتند و فعالیت می کردند ولی از نفوذ چندانی برخوردار نبودند. آنچه آنها را تقویت نمود نه عامل مذهبی بلکه سازشکاری ساف و کنار آمدن با صهیونیسم اسرائیل بود که ملت فلسطین هرگز آن را نپذیرفت و به این منجر شد که به سمت سازمانی تمایل پیدا کند که آزادی فلسطین را در پایان دادن به اشغال در سرلوحه برنامه خویش قرار داده بود. قسمت چهارم و پایانی، طرح دودولت: امروز مجددا این پرسش «دودولت» از جهات مختلف طرح می شود و یک جهت آن ناظر به صورت آلترناتیو ایده ۲ دولتی در برابر رویدادهایی نظیر طوفان الاقصی و به طور کلی جریان جنبش مقاومت است. در واقع حرکت الاقصی در برابر ایده جایگزینش باید داوری و نقد شود. اگر جنبش مقاومت و الاقصی نه، جایگزینش چی؟ اینجاست که ایده ۲ دولتی طرح و از همین زاویه باید فهم و نقد شود. مسائل فلسطین چه در موضع تحلیل و چه در فهم وقایع و چه از موضع تجویز و پیشنهاد سیاست، دو ستون اصلی دارد. یک ستون آن ابعاد هنجاری و ایده هاست و یک بعد و سطح دیگر، ابعاد واقعی و امکان پذیری و عملی ایده هاست که این دو بعد ارتباط دیالکتیکی با هم دارند. وقتی به سمت سیاست می رویم، باز این دو عنصر را باید در نظر گرفت. وقتی از ایده ۲ دولتی صحبت می شود که دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیلی در آنجا شکل گیرد، باز می بینیم که اولین مشکل برای اینکه چنین ایده ای سرپا، محقق و قابل دفاع بشود، مشکل هنجاری است؛ یعنی این نوع پیشنهاد حل و فصل اگر در یک موضع و شرایط دیگری بود که دو دولت بر سر یک منطقه مرزی اختلاف داشتند، اینها قابل حل و فصل تر بود



| | | | | | | |
|-----------------------------------|---|---|---|---|---|------------------------------------|
| www.telegram.me/totoufan | | | | * | | کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان) |
| facebook.com/hezbekar.toufan | | | | | * | فیسبوک حزب کار ایران (توفان) |
| twitter.com/toufanhezbkar | | | * | | | تویتر حزب کار ایران (توفان) |
| www.rahetoufan67.blogspot.de | * | | | | | وبلاگ توفان قاسمی |
| www.kanonezi.blogspot.de | * | | | | | وبلاگ ظفر سرخ |
| kargareagah.blogspot.de | * | | | | | وبلاگ کارگر آناه |
| www.toufan.org | | * | | | | تارنمای حزب کار ایران توفان |
| www.toufan.de | | * | | | | تارنمای آزمایشی حزب |
| <u>POSTBANK</u> | | | | | | |
| bank code 20110022 | | | | | | |
| bank account No.: 2573 3026 00 | | | | | | |
| IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00 | | | | | | |
| <u>P.O. BOX 1138</u> | | | | | | |
| D64526 Mörfelden-Walldorf | | | | | | |
| E-Mail: toufan@toufan.org | | | | | | |
| Fax: 00496996580346 | | | | | | |